

بررسی علل استقرار نیروهای متفقین در اصفهان و برخورد آن‌ها با مردم در جنگ جهانی دوم

ابوالقاسم باقری^۱

سیدعلیرضا ابطحی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷

چکیده

نیروهای متفقین، شامل نیروهای شوروی و انگلیس در شهریور ۱۳۲۰ ش/ سپتامبر ۱۹۴۱ م ایران را اشغال کردند. بعد از مدتی نیروهای آمریکایی هم به آنان اضافه شدند. این نیروها پس از ورود به ایران و برای رسیدن به اهداف خود، در مناطق مختلف به خصوص بعضی از شهرها، از جمله اصفهان مستقر شدند و شروع به گشت‌زنی کردند. استقرار و گشت‌زنی نیروهای متفقین در اصفهان، خواه و ناخواه برخورد این نیروها با مردم اصفهان را در پی داشت. هدف پژوهش حاضر، بررسی علل استقرار و گشت‌زنی نیروهای متفقین در اصفهان و برخوردهای آنان با مردم اصفهان است. برای بررسی این موضوع، از رویکرد توصیفی-تحلیلی و با کمک اسناد منتشر نشده و جراید مربوط به موارد استقرار نیروهای متفقین در اصفهان در جنگ جهانی دوم و همچنین دادخواست‌های مردم اصفهان به مقامات شهر در اعتراض به رفتار این نیروها استفاده شده است. یافته پژوهش حاضر نشان داد اهمیت جغرافیایی و ارتباطی اصفهان، وجود عوامل و طرفداران آلمان در آن و همسایگی با محل زندگی ایلات بختیاری و قشقایی، متفقین را به استقرار و گشت‌زنی نیروهای خود در این شهر و مناطق اطراف ملزم کرد. همچنین حضور نیروهای متفقین در شهر اصفهان، علاوه بر آنکه به شکستن شخصیت حقوقی و حقیقی مقامات و مردم اصفهان و برخوردهای برتری‌جویانه آنان با مردم در این شهر انجامید، در رواج پدیده‌هایی چون ناامنی و اشاعه فساد در شهر نیز اثر گذاشت.

کلیدواژه‌ها: علل استقرار نیروهای متفقین، اصفهان، مردم، جنگ جهانی دوم، شوروی، آمریکا،

انگلیس.

^۱ - دانشجوی دکتری تاریخ، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (bagheri4949@yahoo.com)

^۲ - استادیار، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول) (abtahi1342@yahoo.com)

مقدمه

جنگ جهانی دوم در شهریور ۱۳۱۸ش / سپتامبر ۱۹۳۹م با تهاجم آلمان به لهستان آغاز شد. پس از مدتی کوتاه، آتش جنگ در قسمت‌های دیگر اروپا و جهان شعله‌ور گردید. پیشروی سریع ارتش آلمان در اروپای شرقی و همچنین نیم‌نگاه هیتلر برای جلب نظر دول غربی به‌خاطر مقابله با کمونیسم، ارتش آلمان را به تهاجم به مرزهای شوروی و پیشروی در خاک این کشور تشویق کرد؛ اما حمله هیتلر به شوروی، نه تنها با استقبال غربی‌ها مواجه نشد، بلکه انگلیس و آمریکا را در کنار شوروی برای مقابله با هیتلر قرار داد. دولت‌های انگلستان و آمریکا درصدد کمک به شوروی برآمدند. بهترین مسیر برای ارسال کمک به شوروی از طریق ایران بود. از این‌رو، کمک‌رسانی به شوروی از مسیر ایران، مورد توجه دولت‌های متفقین قرار گرفت. متفقین به بهانه وجود عده‌ای آلمانی در ایران و در حقیقت برای استفاده کامل از ظرفیت و امکانات کشور، طی چند اخطار پی‌درپی به دولت ایران مبنی بر اخراج آلمانی‌ها و ادعای اینکه ایران نسبت به خروج آلمانی‌ها تعلل می‌ورزد، در سوم شهریور ۱۳۲۰ش / بیست و پنجم آگوست ۱۹۴۱م ایران را اشغال کردند.

در زمان اشغال ایران توسط نیروهای انگلیس و شوروی، وضعیت هریک از مناطق و شهرهای کشور برحسب فاصله‌ای که با مرز و محل ورود اشغالگران داشت، متفاوت بود. بعضی از شهرها، مانند شهرهای شمالی و غربی کشور در استان‌های آذربایجان، گیلان، مازندران، خراسان، خوزستان و کرمانشاه به اشغال نیروهای شوروی و انگلیس درآمدند و مردم در این شهرها گرفتار پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم حضور نیروهای اشغالی مانند بمباران هوایی، انهدام تأسیسات نظامی و غیرنظامی، رژه سربازان بیگانه و برخورد با مردم، ناامنی، افزایش قیمت و کمیابی و احتکار ارزاق عمومی و... شدند. برخی از مناطق و شهرها در دیگر نقاط کشور، اگرچه در روزهای نخستین اشغال ایران، از صحنه درگیری‌ها دور بودند، در ادامه آن‌ها هم به نسبت جایگاه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که داشتند، در معرض پیامدهای جنگ جهانی دوم از جمله ورود و استقرار نیروهای متفقین و برخورد آن‌ها با مردم این شهرها قرار گرفتند. اصفهان از شهرهایی بود که به دلایلی مانند نفوذ و موقعیت طرفداران آلمان در آن، همسایگی با ایلات بختیاری و قشقایی و وجود امکانات راه و جاده مواصلاتی و نزدیکی به خط راه‌آهن سراسری، توجه متفقین را جلب کرد و باعث استقرار و گشت‌زنی مستمر نیروهای آن‌ها در این شهر و ناگزیر برخورد و ارتباط این نیروها با مردم شد.

این پژوهش، به دنبال بررسی علل استقرار نیروهای متفقین در اصفهان در دوره جنگ جهانی دوم و تبیین نحوه برخورد آن‌ها با مردم است. همچنین بررسی این نکته که در این برخوردها، بین رفتار نیروهای شوروی و آمریکا و انگلیس چه تفاوتی وجود داشته است؟ بر این سوال، فرض‌های ذیل استوار است. نخست، اینکه ضرورت‌های حفظ قدرت متفقین در اصفهان و مناطق اطراف و مقابله با نفوذ آلمان در جنگ جهانی دوم، سبب استقرار و گشت‌زنی نیروهای آنان در اصفهان بوده است. دوم، اینکه در نتیجه استقرار نیروهای متفقین و برخورد آن‌ها با مردم اصفهان، مواردی مانند ایجاد ناامنی، اشاعه فحشا و مزاحمت و ضرر و زیان به دارایی و اموال شهروندان اصفهانی و تأسیسات شهری و... رخ داده است. سوم، اینکه در برخورد نیروهای متفقین با مردم در اصفهان بین رفتار نیروهای شوروی و انگلیس و آمریکا تفاوت وجود داشته است.

تاکنون پژوهش‌هایی درباره پیامدهای اجتماعی ورود و استقرار نیروهای متفقین در ایران و از جمله اصفهان انجام شده است که می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «نابسامانی‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اصفهان در سال‌های ۲۴-۱۳۲۰» (احمد کتابی، ۱۳۷۷) اشاره کرد که در آن، پیامدهای حضور متفقین در اصفهان و نقش آنان در ایجاد تورم، کمبود خواربار، مهاجرت لهستانی‌ها، مداخلات ناروای آنان و ایجاد تنش‌های کارگری-کارفرمایی بررسی شده است. اثر دیگر، کتاب «جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در جنگ جهانی دوم» (مرتضی دهقان نژاد و الهام لطفی) است که در آن، نویسندگان پیامدهای حضور متفقین در ایران در ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی را بررسی کرده‌اند که به برخی از رفتارهای نیروهای متفقین مانند رواج فساد و دزدی در جامعه (دهقان نژاد و لطفی، ۱۳۹۳: ۸۹) ایرانی اشاره شده است. همچنین مقاله‌ای با عنوان «پیامدهای اجتماعی جنگ جهانی دوم در کرمانشاه ۱۳۲-۱۳۲۶ ش» (قاسمیان، ۱۳۹۴)، به طور مشخص به پیامدهای ورود متفقین به کرمانشاه پرداخته است. اگرچه در قسمت‌هایی از پژوهش‌های ذکر شده، مواردی از برخوردهای نیروهای متفقین با مردم گفته شده است، به عنوان موضوع مشخص درباره علل استقرار نیروهای متفقین و برخورد آنان با مردم و در شهر اصفهان، تاکنون پژوهشی انجام نشده است. پژوهش حاضر، این ویژگی را دارد که به طور مشخص، علل استقرار نیروهای متفقین و اقداماتشان در اصفهان و نحوه برخورد آن‌ها را با مردم و براساس اسناد و گزارش‌های رسمی و غیررسمی بررسی کرده است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده است.

دلایل استقرار و گشت‌زنی مداوم نیروهای متفقین در اصفهان در زمان اشغال

ایران در جنگ جهانی دوم

الف: خنثی‌نمودن نفوذ آلمان‌ها و عوامل آنان در اصفهان

نخستین دلیل متفقین برای استقرار و گشت‌زنی نیروهایشان در اصفهان، خنثی‌نمودن نفوذ آلمان‌ها در اصفهان بود. در زمان اشغال ایران و با اوج‌گیری اتفاقات جنگ جهانی دوم و انعکاس بیشتر تحولات آن در ایران و همچنین احتمال ورود نیروهای آلمان به مرزهای شمالی ایران، گرایش‌های تاریخی ایرانیان به طرفداری از قدرت سوم (آلمان)، خود را نشان داد و مخالفت‌ها با متفقین آشکارتر شد. انور خامه‌ای که خود از نویسندگان روزنامه مردم، تنها نشریه مخالف آلمان‌ها در ایران در آن زمان بود، دربارهٔ علاقهٔ ایرانیان به پیروزی آلمان‌ها، اذعان می‌کند که «بیزاری و دشمنی تاریخی از سیاست انگلیس و روسیه در ایران، باعث شد که مردم تحولات مربوط به پیشرفت‌های ارتش آلمان را با آب‌وتاب دنبال کرده و برای هم بازگو کنند. حتی کسانی پیشاپیش گاو و گوسفند خریده بودند تا در پیشواز آلمانی‌ها قربانی کنند. هر روز کسانی روزنامه «مردم» را دسته‌دسته می‌خریدند و به آتش می‌کشیدند و گاهی به دفتر روزنامه سنگ می‌زدند. هر روز، نامه‌های فراوانی با علامت صلیب شکسته یا تصویر تپانچه و چوبه اعدام و طناب دار به دفتر روزنامه می‌رسید و ما را تهدید به کشتن یا کیفر آینده می‌کردند» (خامه‌ای، بخش اول، ۱۳۷۸: ۹۲-۹۳). به مانند تهران، در اصفهان نیز گرایش‌ها به آلمانی‌ها قوی بود و آلمان‌ها و عوامل ایرانی طرفدار آنان حساب ویژه‌ای بر روی اصفهان باز کرده بودند.

سابقهٔ توجه آلمان‌ها به موقعیت اصفهان و مردم آن و متقابلاً حمایت اصفهانی‌ها از آن‌ها به جنگ جهانی اول و رقابت‌های متفقین در این شهر بازمی‌گشت. در جنگ جهانی اول، ماکس اتو شونمان آلمانی (Mucks Oto Shon Man)، تمام تلاش خود را به خرج داد تا احمدشاه و دولت مستوفی‌الممالک به اصفهان بروند (همامی، ۱۳۹۳: ۷۴). در نتیجهٔ اقدامات شونمان، افراد و گروه‌هایی از جمله علی‌خان سیاهکویی با ۱۱۰ نفر، محمودخان استکی با ۵۵ نفر، حسین‌خان خوانساری با ۷۵ نفر، منتصرالدوله با ۱۵ نفر و جلال‌خان، افسر ژاندارمی با نیروهایشان در فرح‌آباد اصفهان به شونمان پیوسته بودند (همامی، همان: ۶۸-۶۹). تحت تاثیر پیروزی اولیهٔ متحدین، افرادی در اصفهان، نایب کنسول روسیه را کشتند و ژنرال کنسول انگلیس را زخمی کردند (انصاری، ۱۳۷۹: ۳۲۳). برای مدتی در جنگ جهانی اول، ابتکار عمل در اصفهان در اختیار زایلر (Zoeller) و

دیگر عوامل آلمان در اصفهان بود و آن‌ها از طریق جلب شخصیت‌ها و گروه‌ها در اصفهان و تقویت شاخهٔ دمکرات در این شهر بر افکار عمومی تاثیر گذاشتند. با تلاش زایلر، حتی پسران ظل‌السلطان و نایب حسین کاشی و پسرش ماشاء... متمایل به آلمان‌ها شدند (انصاری، همان: ۳۱۹-۳۲۲). در دورهٔ جنگ جهانی اول، به دلیل فشار آلمان‌ها و طرفدارانشان در شهر اصفهان، مقامات انگلیسی برای مدتی به‌ناچار این شهر را ترک کردند و به‌دنبال آن ۱۰۰ هزار تومان موجودی شعبه بانک شاهنشاهی در اصفهان با همکاری حاکم وقت اصفهان، میان او و آلمان‌ها تقسیم شد (همامی، همان: ۷۰-۷۱). عوامل ایرانی طرفدار آلمان در اصفهان با این پول، حقوق نیروهای ژاندارم طرفدار آلمان را پرداخت کردند. همچنین، بیمارستان انگلیسی‌ها به تصرف کمیته ملی طرفدار آلمان و انجمن شهر اصفهان درآمد. مدرسه انگلیس در پشت مطبخ [میدان نقش جهان] نیز به عنوان محل استقرار و تمرین ارتش ملی در نظر گرفته شد (اخوت، ۱۳۸۶: ۱۸۹)؛ اما در ادامه، به‌واسطهٔ پیروزی‌های متفقین و تهدید روس‌ها و ورود آنان به اصفهان، آلمان‌ها و طرفدارانشان این شهر را ترک کردند (اخوت، همان: ۲۰۰). هرچند و برطبق برداشت نیدر مایر (Nadir Mayer) عامل آلمان در ایران در جنگ جهانی اول، طرفداران آلمان در اصفهان بیشتر افرادی بودند که در هر لحظه به رنگی درمی‌آمدند (اشراقی، ۱۳۷۸: ۶۱۴). با این حال، جولان آلمان‌ها و طرفدارانشان در اصفهان در زمان جنگ جهانی اول، بیانگر پیشینه و جایگاه آلمان‌ها در اصفهان بود که در دوران سلطنت رضاشاه بیشتر هم شد.

در دوران رضاشاه، به‌دنبال گسترش روابط ایران و آلمان، حضور آلمانی‌ها در اصفهان زیاد شد. در سال ۱۳۰۱ ش/۱۹۲۷م به‌وسیلهٔ شرکت هواپیمایی یونکرس (Junkers) یک خط هوایی بین تهران و اصفهان و شیراز ایجاد گردید (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۹-۱۸). تعدادی از آلمانی‌ها در اصفهان نقش سازنده‌ای ایفا کردند که از جمله آنان، ماکس اتو شونمان بود که نقش مهمی در صنعت اصفهان به‌ویژه صنعت نساجی داشته است (رجایی، ۱۳۸۶: ۱۴۲). شونمان که سعی داشت اصفهان را به منجستر ایران تبدیل نماید، ابتکارات و نبوغ خود را در ساختن کارخانه‌های نساجی به کار گرفت که نتیجهٔ آن، توسعهٔ جایگاه و نفوذ آلمان در شهر اصفهان به‌خصوص بین سرمایه‌داران اصفهانی بود (آذربایجانی، ۱۳۹۳: ۲۳). به‌ویژه فعالیت‌های خیرخواهانه و علمی آلمان‌ها از قبیل تأسیس مدارس فنی و مراکز توانبخشی در شهر اصفهان، بر علاقهٔ اصفهانی‌ها نسبت به آلمان‌ها افزود. در سال ۱۳۰۷ ش/۱۹۲۹م شخصی به نام ارنست جی کریستوفر (Ernst J Christopher) آسایشگاهی برای نایب‌نایان اصفهانی تأسیس نمود (یار شاطر، ۱۳۸۴: ۲۱۲). آلمانی‌ها در سال ۱۳۱۷ ش/۱۹۳۸م یک

مؤسسه را زیر نظر یک ایران‌شناس با نام ویلهلم آیلرس (Wilhelm Oilers) در اصفهان تشکیل دادند که به صورت مقطعی در فعالیت‌های باستان‌شناسی تخت‌جمشید کمک می‌کرد. همچنین، این مؤسسه در حیطةٔ واژه‌شناسی و زبان‌شناسی مشغول بود (یار شاطر، همان: ۶۶). استقبال آلمانی‌ها برای کار در اصفهان و متقابلاً توجه اصفهانی‌ها به آنان باعث شد پیش از آغاز جنگ جهانی دوم و از سال ۱۳۱۶ش/۱۹۳۶م تا سال ۱۳۱۸ش/۱۹۳۹م بر تعداد عوامل آلمان در اصفهان افزوده شود، به طوری که تعداد آنان در این شهر، ظرف این سه سال از ۱۵ نفر به حدود ۵۰ نفر رسید (Keith, 2013: 52). این پیشینه از روابط و علایق بین اصفهان و آلمان سبب شد در جنگ جهانی دوم از یک سو، عوامل آلمان بر روی کمک اصفهانی‌ها و موقعیت خود در این شهر خوشبین باشند و از سوی دیگر، مردم اصفهان اقداماتی در حمایت از آلمان‌ها انجام دهند.

در روزهای آغازین اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، برخی از اصفهانی‌ها، اعلامیه‌هایی را به نفع آلمان‌ها و در مخالفت با اشغال کشور به دیوارهای شهر زده بودند. از جمله در یکی از این اعلامیه‌ها که در خیابان طالقانی (شاه سابق) و بیمارستان عیسی‌بن‌مریم (مرسلین) نصب شده بود، مردم اصفهان، تشویق به ذخیرهٔ نان و نفرستادن سرباز شده بودند، و به‌خصوص بختیاری‌های شهر به مبارزه با متفقین دعوت شده بودند (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۳۷۲؛ ضمیمه صفحه ۳۱). در آن موقع و در ابتدای پیشروی‌های ارتش آلمان، قهوه‌خانه‌هایی که در اصفهان رادیو داشتند در هنگام اعلام اخبار جنگ جهانی دوم که از بخش فارسی رادیو آلمان پخش می‌شد پر از جمعیت شده و وقتی گوینده، اخبار پیروزی‌ها ارتش هیتلر را می‌خواند عده‌ای هورا کشیده و عده‌ای سوت می‌زدند و عده‌ای کلاه خود را به هوا پرتاب می‌کردند و اگر کسی ضد هیتلر شعاری سر می‌داد با او درگیر شده قهوه‌خانه را به هم می‌ریختند (کاروان پور، ۱۳۸۱، کتاب یکم: ۲۷۲-۲۷۳). پس از انعقاد پیمان دولت ایران با دولت‌های متفقین (پیمان سه‌جانبه) عده‌ای از سرشناسان اصفهانی، طی تلگرافی به فروغی، نخست‌وزیر وقت در تاریخ ۱۳۲۰/۹/۳۰ش ۱۹۴۱/۱۲/۲۱م اعلام کردند: «در این موقع که کشور دچار بحران می‌باشد ما با هرگونه پیمانی با دول بیگانه که قطعاً به زیان کشور است مخالف و هرگاه دولت یا مقامات دیگر پیمانی ببندند از طرف عموم مردود و بی‌اثر خواهد بود و ملت باید بی‌طرفی خود را حفظ نماید» (کریمی و دیگران، جلد پنجم، ۱۳۸۹: ۲۱).

اگرچه مذهب‌یون اصفهان با هرگونه اشغال ایران مخالف بودند، نوک پیکان مخالفت آن‌ها به سمت متفقین و مخالفت با انگلستان و شوروی قرار داشت (شیخی، ۱۳۸۳: ۱۳۰). نفوذ عوامل آلمان

در اصفهان در دوره اشغال ایران به حدی بود که برخی از مقامات کشور از آنان با عنوان «ستون پنجم آلمان» تحت رهبری سرلشکر فضل‌ا... زاهدی یاد کردند (اعظام قدسی، جلد دوم، ۱۳۷۹: ۹۷۲). شولسته هولتوس (Schulze-Holthus) از عوامل دولت آلمان در ایران که طی جنگ جهانی دوم به دلیل ورود سربازان روس به تبریز، ناچار شد از این شهر فرار کند و در تهران زندگی مخفیانه‌ای داشته باشد، در مدت اقامت در تهران گزارش‌های مربوط به جنگ جهانی دوم را از رادیو آلمان گوش داده و می‌نوشت و سپس آن‌ها را در اختیار طرفداران آلمان در ایران قرار می‌داد. از جمله تعدادی از این گزارش‌ها را هولتوس برای طرفداران آلمان در اصفهان فرستاده بود (خامه‌ای، بخش اول، ۱۳۷۸: ۵۶). فرانتز مایر (Frantz Mayer) دیگر عامل آلمانی در ایران، کمک‌های مالی به طرفداران آلمان در اصفهان داشت. احمد نامدار، از کارمندان سفارت آلمان و بعد سوئد در تهران در هنگام جنگ جهانی دوم و اشغال ایران به یک نمونه اشاره کرده که در آن فرانتز مایر آلمانی ۷۰۰ تومان به یکی از نزدیکان خود داد تا آن را به یکی از طرفداران آلمان در اصفهان برساند (خامه‌ای، همان، ۱۰۶). تعدادی از عوامل آلمان و طرفداران آن‌ها مانند شونمان (Mucks Oto Shon Man)، ارنست ج. کریستوفل (Ernst J Christopher)، از اتباع آلمان و زاهدی، ابوالقاسم‌خان بختیاری در این شهر و مناطق اطراف بودند که حتی برخی از آن‌ها مانند سرلشکر فضل‌ا... زاهدی که فرمانده لشکر اصفهان بود، مقامات مهم اصفهان را عهده دار و در این شهر نفوذ داشتند و یا مثل ابوالقاسم‌خان بختیاری از نفوذ زیادی در منطقه خود برخوردار بودند.

عامل موثر در ایجاد هماهنگی نیروهای طرفدار آلمان در اصفهان و مناطق اطراف، فضل‌ا... زاهدی بود. زاهدی از فروردین ۱۳۲۱ ش ۱۹۴۲ م به سمت فرماندار نظامی اصفهان تعیین شد (عظیمی، ۱۳۷۲: ۷۸). ماک لین^۳ (Mack Lin) افسر مخصوص انتلیجنت سرویس انگلستان در یادداشت‌های خود، غالب ناامنی‌ها و اتفاقات ضد منافع متفقین را در مناطق جنوبی ایران به زاهدی نسبت داده بود (جامی، ۱۳۸۱: ۲۰۰). حلقه ارتباط مایر آلمانی با طرفداران آلمان در شهر اصفهان را فضل‌ا... زاهدی بر عهده داشت و گفت‌وگوهای بین این دو در این شهر متمرکز بود. در یکی از این گفت‌وگوها در اوایل مسئولیت زاهدی در اصفهان و چند ماه پیش از دستگیری او در آذر ۱۳۲۱ ش، مایر وعده ریاست جمهوری ایران را به زاهدی پس از پیروزی آلمانی‌ها داد و زاهدی هم قبول کرد بعد از

^۳ عامل انگلیسی که سرلشکر زاهدی را در اصفهان دستگیر کرد. نامبرده شرح دستگیری زاهدی را در کتاب خود «دیدگاه‌های شرقی» نوشته که فصل مربوط به دستگیری زاهدی در این کتاب توسط کاوه دهگان ترجمه و چاپ شده است. (بولارد، ۱۳۹۴: پاورقی ص ۱۰۲).

سقوط استالینگراد شوروی به این کار یعنی به دست گرفتن قدرت در ایران دست بزند (جامی، همان: ۷۹). با ورود نیروهای روسی به شمال ایران و نزدیکی به تهران، ابتکار عمل عوامل آلمان و طرفدارانشان در آن مناطق از بین رفت و از این رو، مایر و دیگر عوامل آلمان بر روی حمایت طرفداران خود در اصفهان و مناطق اطراف متمرکز شده بودند.

ب: ترس متفقین از نفوذ آلمانی‌ها در ایلات بختیاری و قشقایی

دلیل دیگر متفقین برای استقرار و گشتزنی نیروهای خود در اصفهان، مجاورت این شهر با محل استقرار ایلات بختیاری و قشقایی و ترس از احتمال ارتباط آلمان‌ها با آن‌ها بود. متفقین با استقرار و گشتزنی مداوم نیروهای خود در اصفهان، قصد داشتند در صورت همراهی ایلات با آلمان‌ها و تهدید منافعشان از سوی متحدین، اقدامات فوری و لازم را برای مقابله با آن‌ها انجام دهند. با توجه به سابقه طرفداری بخشی از بختیاری‌ها از آلمان‌ها در جنگ جهانی اول، احتمال نفوذ عوامل آلمان و تحریک آنان ضد متفقین وجود داشت. همین مسئله باعث نگرانی چرچیل، نخست‌وزیر انگلیس پیش از اشغال ایران شده بود. چرچیل از واکنش قبایل بختیاری و مردم نواحی نفتی در صورت حمله متفقین به ایران احساس خطر کرده و احتمالاتی را داده بود که: «هرگاه نیروی ایران در پیرامون‌های چاه‌های نفت اهواز کلیه کارکنان شرکت نفت انگلیس و ایران را دستگیر نماید و آنان را به عنوان گروگان نگاه دارند، چه خواهد شد؟ چه روشی از بختیاری‌ها و سکنه محلی می‌توان انتظار داشت؟» (چرچیل، جلد دوم، ۱۳۸۹: ۱۱۲۸). ترس چرچیل پذیرفتنی بود؛ چرا که یکی از برنامه‌های فرانتز مایر آلمانی، ملاقات با سران بختیاری از جمله ابوالقاسم‌خان برای ضربه زدن به انگلیس بود. این خان بختیاری، مخالف انگلیسی‌ها و طرفدار آلمانی‌ها بود. مایر در ملاقات با واسطه‌های ایرانی خود، خواستار ترتیب دادن ملاقات با ابوالقاسم‌خان بختیاری شده بود (خامه‌ای، ۱۳۱-۱۳۲). بنابراین وقتی ابوالقاسم‌خان در سال ۱۳۲۲ ش/ ۱۹۴۳ م عملیات خود را ضد متفقین آغاز کرد، مایر آلمانی به وسیله هواپیما، پول و اسلحه و مهمات برای او فرستاد. ابوالقاسم‌خان درخواست اتحاد طوایف بختیاری، کهگیلویه و بویراحمدی را در مقابل دولت مرکزی و به نفع آلمان نموده بود (پوربختیار و موسایی، ۱۳۹۳: ۲۴-۲۵).

ایل قشقایی نیز مورد توجه آلمان‌ها بود و آن‌ها می‌توانستند از طریق اصفهان با این ایل در ارتباط باشند و آن‌ها را ضد منافع متفقین تحریک کنند. فرانتس مایر آلمانی و دیگر عوامل آلمان در اصفهان از ایل دره شوروی به دلیل نزدیکی به اصفهان به عنوان ایستگاه فرستنده اخبار و پیام برای

قشقای‌ها و دیگر قبایل جنوب استفاده کردند (هولتوس، ۱۳۶۶: ۲۱۶). نوبخت نماینده مجلس و از ملیون ایرانی منبع کسب اطلاعات و شناخت سران قشقای از آلمان‌ها را اصفهان می‌دانست (هولتوس، همان، ۱۴۷). در موقع اشغال ایران، خیلی از طرفداران و عوامل آلمانی که در مناطق شمالی کشور و تهران بودند، از طریق ورامین و شهرهای شمال شرقی استان اصفهان چون اردستان و کاشان به اصفهان وارد و سپس به مناطق قشقای منتقل شدند (ساکما، ۳۶۰۱-۲۹۳). هولتوس شولسته از اصفهان به محل ایل قشقای رفته و با سران آن‌ها ملاقات کرد. در هنگام تصرف پادگان سمیرم توسط قشقای‌ها و متحدان آنان، هولتوس شولسته آلمانی در حضور ناصرخان قشقای بود. ناصرخان وقتی این خبر را شنید، در همراهی با هولتوس آمادگی خود را برای حمله به اصفهان اعلام داشت (خامه‌ای، ۱۳۷۸، بخش اول: ۷۵).

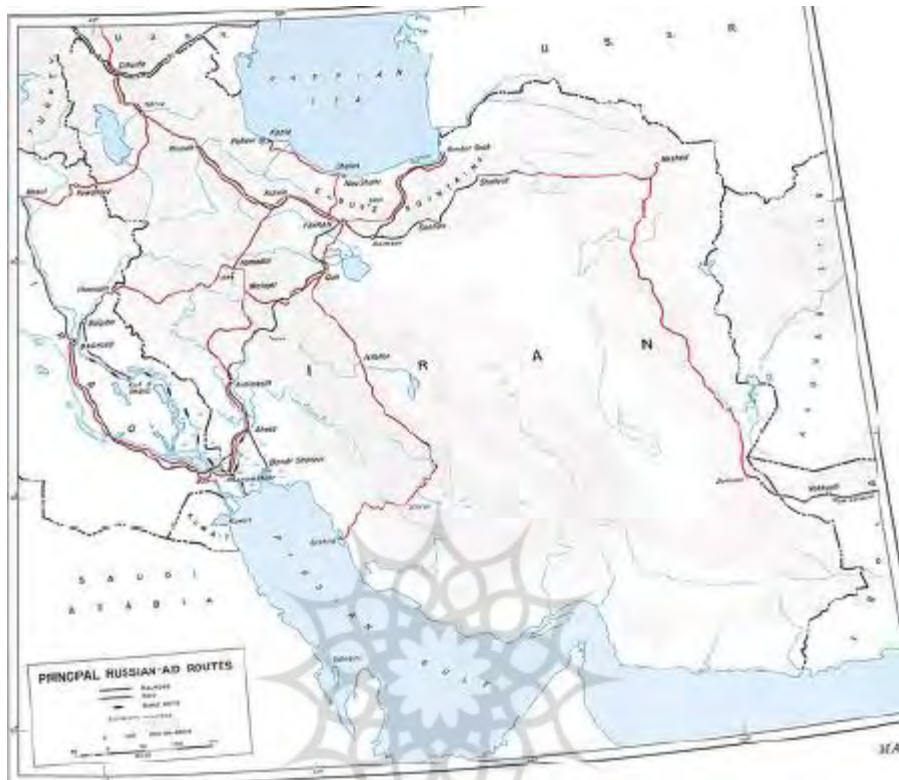
ج: ترس متفقین از تهدیدات آلمان‌ها و عوامل آنان نسبت به راه‌های مواصلاتی برای انتقال

کمک به شوروی

دلیل دیگر متفقین برای استقرار و گشت‌زنی در اصفهان و مناطق اطراف، ترس از تسلط عوامل آلمان و طرفداران آن‌ها بر راه‌های ارتباطی این منطقه بود. به‌خصوص اینکه اصفهان در مرکز کشور، جایگاه مواصلاتی مهمی داشت. اگرچه اصفهان در مسیر راه‌آهن سراسری قرار نداشت، تأمین امنیت مناطق اطراف خطوط راه‌آهن از جمله اصفهان برای متفقین مهم و سرنوشت‌ساز بود. اساساً یکی از اهداف آلمان‌ها و عوامل آنان در ایران و به ویژه در اصفهان و جنوب، ایجاد یک منطقه بی‌طرف برای جلوگیری از ارسال کمک‌های تسلیحاتی متفقین به شوروی بود (مهدی‌نیا، ۱۳۷۱: ۶۶). بیشتر این تسلیحات و کالاها از طریق راه‌آهن انتقال می‌یافت و این مسئله تهدیدی برای متفقین بود. علاوه بر این، راه‌های زمینی و هوایی نیز برای متفقین از جهت امنیت و کنترل مخالفان و ارسال تجهیزات اهمیت داشت. یکی از این راه‌ها، راه شوسه‌ای بود که از بوشهر شروع و در ادامه از شیراز به اصفهان می‌رسید. این راه که در ادامه به قم و تهران و تا تبریز ادامه داشت، دومین راه مهم بعد از راه‌آهن سراسری بود که انتقال تجهیزات و مواد مورد نیاز شوروی‌ها با آن انجام شد (Mother, 2000: 34). تصویر ۱. اگرچه این مسیر در ابتدا به دلایل امنیتی و نیاز به تعمیرات کمتر مورد توجه بود، در ادامه به‌خصوص زمانی که آمریکایی‌ها ۶۰۰ کامیون را برای تردد در این جاده وارد کردند، هر چه بیشتر مورد استفاده قرار گرفت. آمریکایی‌ها برای استفاده بهتر، اقداماتی را از قبیل ایجاد مراکز تعمیرات خودروها و همچنین تأسیس مدارس برای آموزش رانندگان و مکانیک‌ها در بعضی از

شهرهای این مسیر از جمله اصفهان انجام دادند (Ibid: 468). جاده بوشهر- شیراز- اصفهان- تهران- تبریز برای متفقین از ارزش زیادی برخوردار بود و توانستند با این جاده و راه‌آهن سراسری بیش از ۵ میلیون تن تجهیزات و مواد دیگر را به شوروی منتقل نمایند (Glenn,30: 2008). به غیر از استفاده از راه‌های شوسه، متفقین یک دالان هوایی نیز ایجاد کرده بودند که اصفهان در مسیر آن بود (زمانی پور، ۱۳۹۴: ۱۳۹ - ۱۴۰). استفاده متفقین از خطوط تلگراف که از اصفهان می‌گذشت و تا شیراز، بوشهر، فاو و بغداد ادامه داشت نیز برای آنان مهم بود. حساسیت متفقین به سالم بودن خطوط ارتباطی و مکاتبه با دولت ایران در این باره (کریمی و دیگران، جلد دوم، ۱۳۸۹: ۱۵۹-۱۵۸ و ۱۳۴)، نشان‌دهنده اهمیت این خطوط و راه‌های ارتباطی برای آنان بوده است. استقرار و گشت‌زنی نیروهای متفقین این امکان را به آنان داد که برنامه‌های خود در اصفهان را اجرا کنند. ضرورت‌های متفقین برای مقابله با توانمندی و ظرفیت بالقوه آلمانی‌ها در اصفهان و تأمین امنیت راه‌های آن و جلوگیری از عملیات ایلات منجر به استقرار و گشت‌زنی نیروهای متفقین در اصفهان و مناطق اطراف شد. استقرار و گشت‌زنی نیروهای متفقین در اصفهان و مناطق اطراف از همان روزهای آغازین اشغال ایران شروع شد.

تصویر ۱- نقشه جاده بوشهر-شیراز - اصفهان-تهران-تبریز



چگونگی استقرار نیروهای متفقین در اصفهان

انگلیس به دلیل اهمیتی که به حفظ منافعش به خصوص نفت در مناطق جنوبی و مرکزی ایران می‌داد، از همان آغازین روزهای اشغال ایران، اقدام به استقرار و گشت‌زنی نیروهای خود در اصفهان نمود. در گزارش محرمانه و فوری شهربانی اصفهان به شهربانی کل کشور در تاریخ دهم مهرماه ۱۳۲۰ / دوم اکتبر ۱۹۴۱ م آمده است: «ماشین‌های سواری انگلیسی حامل ۱۶ نفر، ۲۴ اتوموبیل نیروبر حامل ۱۴۴ تن سرباز و ۲۹ اتوموبیل باری هریک با دو سرنشین به همراه ۱۷ تانک در ساعت ۱۴ روز دهم مهرماه [۱۳۲۰ش] از راه قم وارد اصفهان شدند، و در مناطق جنوبی شهر در محل فرودگاه قدیمی اصفهان توقف کردند» (ساکما، ۳۵۷۵-۲۹۳؛ ضمیمه صفحه ۳۲). یک ماه و نیم بعد و در تاریخ ۱۳۲۰/۸/۲۵ ش ۱۹۴۱/۱۱/۱۶ م نیروهای دیگری از ارتش انگلیس در قالب یک نیروی ۶۰ نفری به فرماندهی یک نفر سرگرد و یک نفر ستوان دوم به اصفهان وارد شدند و دو روز

در این شهر ماندند (ساکما، ۲۸۲۸/۲۹۱؛ ضمیمه صفحه ۳۳). این حضور نیروهای انگلیس به یک مورد و چند مورد محدود نمی شد و مرتب نیروهای انگلیس جهت تأمین اهداف خود به این کار اقدام کردند. در تاریخ ۱۳۲۲/۸/۲۲ سفارت انگلستان در تهران در گزارشی به وزارت خارجه ایران، از اعزام یک گردان از هنگ مکانیزه نیروی ماوراء اردن که شامل سربازان عرب و افسران انگلیسی بود، خبر داد که قرار بود از عراق وارد ایران شده و در مسیر خود به بندرعباس برای مدتی در اصفهان توقف کند (صدری، جلد هفتم، ۱۵۷: ۱۳۹۱). این نقل و انتقالات نیروهای انگلیس از شرق به غرب و بالعکس و همچنین جنوب به شمال و بالعکس مرتب انجام می شد. به طور مثال، از ناحیه شرق کشور افسران انگلیسی در رأس سربازان هندی از کرمان وارد اصفهان شدند (صدری، همان، ۲۱۸). حتی افراد انگلیسی که به عنوان مشاور مالی و اقتصادی در ادارات اصفهان کار می کردند، در این قضیه دخالت داشتند. کلنل رابرت (Colonel Robert) انگلیسی که در اداره خواربار اصفهان فعالیت داشت، از فرماندهی متفقین در خاورمیانه خواسته بود که گارد مستقر در شهر قم را برای تأمین راههای ارتباطی شیراز و اصفهان به شهرضا مأموریت دهد (نقش جهان، شماره ۱۵: ۱۳۲۲).

حضور و مراقبت از جاده‌ها، فقط مخصوص نیروهای انگلیسی نبود. با اینکه اصفهان از مناطق اشغالی روسها دور بود، نیروهای نظامی این کشور نیز نسبت به تأمین امنیت راههای اصفهان حساس بودند. در تاریخ ۱۳۲۴/۳/۲۲ ش ۱۹۴۵/۶/۱۲ م شهربانی اصفهان بر طبق گزارش کلانتری ۲ این شهر در گزارشی به استانداری اصفهان اعلام می کند: «روز گذشته بیست نفر افسر و سرباز شوروی باصفهان وارد شده و در کنسولگری شوروی توقف نموده اند» (ساکما، ۲۹۱/۳۷۲۴؛ ضمیمه صفحه ۳۴). چند ماه بعد در تاریخ ۱۳۲۴/۸/۱۳ ش ۱۹۴۵/۱۱/۲۱ م دوباره شهربانی اصفهان در نامه به استانداری اصفهان گزارش می دهد تعدادی از نظامیان روسی با لباس شخصی اقدام به تردد در شهر نمودند (ساکما، ۲۹۱/۳۷۲۴؛ ضمیمه صفحه ۳۵).

اقدامات نیروهای متفقین در اصفهان برای نظارت و دستگیری آلمانی‌ها و عوامل آنان در

اصفهان

اقدام به دستگیری آلمانها و طرفدارانشان در اصفهان یک رویه ثابت و مداوم متفقین در این شهر و مناطق اطراف آن بود. تمرکز فعالیت عوامل آلمان در اصفهان و مناطق اطراف، ارتش متفقین و به خصوص انگلیس را نگران ساخته بود و باعث شد مقامات انگلیس و در رأس آنها کنسول این

کشور در اصفهان، در ملاقات با مسئولین شهر از جمله فرمانداری و شهرداری اصفهان، خواستار کنترل آلمانی‌ها و طرفداران آنان در این شهر شود. تأکید مسئولین انگلیس بر این خواسته، فرمانداری اصفهان را واداشت از شهرداری اصفهان بخواهد به‌طور محرمانه و دقیق دربارهٔ عملیات اشخاصی که متهم به طرفداری از آلمان‌ها هستند، اقدامات لازم را انجام دهند. مقامات اصفهانی در راستای پیمان سه‌جانبه ناچار بودند در این زمینه با انگلیسی‌ها همکاری لازم را داشته باشند؛ چرا که می‌ترسیدند اقدامات این افراد، بهانه را به دست انگلیس جهت اقدامات خصمانه بدهد و دولت ایران در انجام تعهدات خود برابر متفقین بی‌اعتبار شود.

برخی مواقع مأموران انگلیسی علی‌رغم همکاری مقامات اصفهان با آنان، جهت کنترل و بازداشت آلمان‌ها و عواملشان در این شهر، بدون هماهنگی با مقامات اصفهان نسبت به جست‌وجو و تعقیب آنان اقدام کرده و افرادی را برای تحقیقات در این زمینه به خدمت می‌گرفتند. در مواردی در همین رابطه شهروندان اصفهانی را بی‌جهت دستگیر و بدون اطلاع مقامات اصفهان آنان را به تهران می‌فرستادند. در یک نمونه، وزیر کشور در نامه‌ای در تاریخ ۱۳۲۱/۸/۲۶ به استانداری اصفهان، از این اداره سؤال می‌کند که چرا بابت اقدام نایب کنسول انگلیس در دستگیری شهروندان اصفهانی به نام‌های صمدی و چامه‌دان و انتقال یکی از آن‌ها به نام صمدی به تهران، مقامات انگلیسی اطلاعی ندادند (ساکا، ۳۵۵-۲۹۳؛ ضمیمه صفحه ۳۶). این نامه‌نگاری وزیر کشور با استانداری اصفهان، گویای آن است که مقامات انگلیس در اصفهان، به‌خصوص دربارهٔ عوامل آلمان و مظنونین به همکاری با آلمان‌ها در این شهر، همه‌کاره بوده و مقامات دولت در شهر را در جریان برخی از کارهای خود قرار نمی‌دادند.

مأموران انگلیس در اصفهان برای تسریع در بازداشت آلمانی‌ها و عوامل آنان از روش‌های دیرینه خود نیز استفاده نمودند. آنان برای تشویق افراد به معرفی آلمان‌ها و مخفیگاه‌هایشان آگهی منتشر می‌کردند، به این مضمون که هرکس یک آلمانی را دستگیر کند یا مأمورین انگلیسی را از محل اختفای آن‌ها آگاه سازد، به شرطی که منجر به دستگیری او نشود، معادل ده هزار لیره استرلینگ پاداش دریافت خواهد کرد (مجله خاطرات وحید، شهیدی، فروردین ۱۳۵۲، شماره ۱۸: ۱۰۹). تبلیغات انگلیس در این زمینه باعث شد حتی عده‌ای در اصفهان از این وضعیت سوءاستفاده کنند. آن‌ها پیش کنسول‌های متفقین در اصفهان رفته و برخی افراد را متهم به طرفداری از آلمان‌ها کردند تا بتوانند خرده‌حساب‌ها و کینه‌های شخصی با آنان را به این شکل تصفیه کنند (مجله وحید، شهیدی، ۱۳۵۲،

۱۱۲: شماره ۱۸). مسلماً تبلیغات انگلیس برای پرداخت پاداش به معرفی‌کنندگان آلمان‌ها و طرفدارانشان در اصفهان بازتاب داشته است و حداقل اینکه آلمان‌ها و طرفدارانشان را دچار محدودیت کرده بود.

به محض شیوع اخباری مبنی بر مشاهده یکی از آلمان‌ها و یا اتباع خارجی طرفدار آلمان در اصفهان و مناطق اطراف، کنسول انگلیس در اصفهان از مقامات ذی‌ربط در این زمینه درخواست داشت تا افراد مذکور و دستیاران ایرانی آن‌ها تحت تعقیب قرار گیرند. حتی قبل از ورود اتباع و طرفداران آلمان به اصفهان، مقامات انگلیسی از طریق عوامل خود از ورود آنان اطلاع پیدا کرده و مشخصات آنان را در اختیار مقامات اصفهان قرار می‌دادند تا آن‌ها را بازداشت کنند و یا خود رأساً اقدام می‌کردند. در مواردی به متفقین و به خصوص انگلیسی‌ها اتهام وارد شد که در آن شرایط اشغال و کمبود ارزاق عمومی بر بحران پیش آمده می‌افزودند تا بتوانند به اهداف خود از جمله دستگیری آلمان‌ها در شهر اصفهان برسند. شهیدی، از مسئولین خواربار اصفهان در زمان اشغال ایران، در این باره می‌نویسد: «یک موقع استاندار اصفهان، میزان موجودی خواربار اصفهان را از من جویا شد، و گفت: یک نفر معتمد گفته عده‌ای قصد دارند، موضوع کمبود نان و غله را در اصفهان بهانه کرده، اغتشاش ایجاد کنند تا بتوانند به بهانه درگیری‌ها، طرفداران آلمان در اصفهان را دستگیر کنند، و یا آذوقه و ارزاقی که مردم اندوخته‌اند در صورت پیشرفت آلمان‌ها بدست آن‌ها نیافتند، و در این آشوب‌ها از بین برود.» (شهیدی، خاطرات وحید، اردیبهشت ۱۳۵۲، شماره ۱۹: ۴۲). پس از اشغال ایران به خصوص دو سال اول آن، بحران تأمین ارزاق عمومی بر اصفهان سایه افکنده بود و مهم‌ترین دغدغه مسئولین اصفهان چگونگی مقابله با آن بود. طبعاً در صورت لزوم مأموران و یا عوامل انگلیس در اصفهان می‌توانستند از این حربه برای تشدید ناآرامی‌ها در شهر و تحمیل خواسته خود بر مقامات اصفهان استفاده کنند و به اهداف خود از جمله مهم‌ترین آن‌ها، نظارت بر آلمان‌ها و طرفدارانشان و دستگیری آن‌ها دست یابند.

انگلیسی‌ها برای شناسایی و دستگیری آلمانی‌ها و طرفداران آن‌ها تنها به شهر اصفهان و شهرهای اطراف اکتفا نمی‌کردند، بلکه برای شناسایی و احیاناً دستگیری آلمان‌ها و عوامل آن‌ها به مناطق دورتر هم می‌رفتند. وجود تعدادی عناصر آلمانی و عوامل آن‌ها در بین ایلات و عشایر، انگلیسی‌ها را نگران ساخته بود (شهیدی، فروردین ۱۳۵۲، شماره ۱۸: ۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲). نماینده شرکت نفت ایران و انگلیس، برای دستگیری هولتوس به نزد ناصرخان قشقایی رفته و در مقابل

پرداخت پنج میلیون تومان و تضمین استقلال آنان از سوی دولت مرکزی، تحویل او را خواسته بود (هولتوس، ۱۳۶۶: ۱۶۸). خیلی از مواقع، مأموران انگلیس که به کارهای فرهنگی مشغول و با معروف بودند؛ جهت فعالیت‌های سیاسی و جاسوسی به کار گرفته شدند. یکی از این افراد خانم لمبتون (Lambton) است. وقتی سر ریدر بولارد (Sir Reader Bullard)، سفیر انگلیس، مطلع شد یک نفر آلمانی دستگاه فرستنده‌ای در کاشان استفاده می‌کند، خانم نام‌برده را مأموریت داد تا او را شناسایی کند. لمبتون با شیدای و در پوشش لباس زنان ایرانی با پرس‌وجوی زیاد اطلاع یافت این فرد آلمانی به نام مولر (Muller) در قمصر کاشان در باغی که از طرف طرفداران آلمان برای او در نظر گرفته شده است، اقامت دارد (مهدی‌نیا، ۱۳۷۳: ۳۴۷-۳۵۲). در نتیجه، مخفیگاه این فرد شناسایی و بازداشت شد. طرفداران آلمان در ایران ناچار بودند هیچ‌گونه سرنخی به جای نگذارند که منجر به لو رفتن اطلاعات مربوط به آنان شود. نوبخت از ملیون ایرانی در گفت‌وگو با هولتوس گفته بود: «جسد یکی از چتربازان آلمانی که در مسیر کویر به تهران به دلیل ضعف بدن و بیماری تیفوس مرده بود؛ ناچاراً قطعه قطعه کرده با گذاشتن هر قطعه داخل چمدانی آن را منتقل و دفن کرده است.» (هولتوس، ۱۳۶۶: ۲۱۸).

حساسیت متفقین نسبت به اتباع آلمان در اصفهان، شامل افرادی که در فعالیت‌های خیرخواهانه و بشردوستانه مشارکت داشتند نیز بود. تعدادی از آلمانی‌ها و وابسته‌های آنان در اصفهان از قبل در این امور فعالیت داشتند. دو نفر از این افراد، یکی به نام ارنست جی کریستوفر (Ernst J Christopher) بود که یک مرکز توانبخشی نابینایان در اصفهان را تأسیس و اداره می‌کرد. این فرد در ابتدا بازداشت و سپس آزاد شد. با این حال، مقامات شوروی در گفت‌وگو با فرمانداری اصفهان، مراقبت از او را از فرمانداری اصفهان خواسته بودند (ساکما، ۳۳۱۸-۲۹۳). فرد دیگر به نام ویلهلم آیلرس (Wilhelm Oilers) بود که در اصفهان یک مرکز تحقیقاتی در زمینه باستان‌شناسی و واژه‌شناسی ایجاد کرده بود. متفقین پس از اشغال ایران، این مرکز را نیز تعطیل کردند و رئیس آن، آیلرس را به اتریش فرستادند (یار شاطر، ۱۳۸۴: ۶۶).

متفقین از حضور مستشاران نظامی خود در ارتش ایران برای دستیابی به اهداف خود استفاده نمودند. از جمله دو نفر از این مستشاران به نام‌های کاپیتان ایمانوئل (Emanuel) و پت گپتر (Pet Gapers) در لشکر ۹ اصفهان به متفقین جهت نظارت بر اوضاع و کنترل آلمان‌ها در اصفهان کمک

می‌کردند (نقش جهان، ۱۳۲۲: شماره ۲۴). اقدامات متفقین در شناسایی و کنترل عوامل آلمان و طرفداران آن‌ها به بازداشت افراد سرشناسی از جمله مایر، زاهدی و هولتوس منجر شد.

مأموران انگلیس از تهران و پیش از سفر مایر آلمانی به اصفهان او را تحت نظر داشتند. یکی از اعضای حزب ملیون در سفارت انگلیس در تهران چند روز پس از سفر مایر به اصفهان به کمیته ملیون ایرانی طرفدار آلمان اطلاع داده بود که اسناد مربوط به مسافرت مایر به اصفهان را روی میز یکی از کارمندان اطلاعاتی سفارت انگلیس مشاهده کرده است. انگلیسی‌ها برای آگاهی از فعالیت مایر، فردی را به نام موزس (Moses) ارمنی به او نزدیک کردند. موزس پس از ورود به اصفهان و طرح دوستی با مایر، عصرها به بهانه هواخوری و رفع کسالت در حاشیه رودخانه و چهارباغ قدم‌زنان راه خود را کج می‌کرد و در خیابان عباس‌آباد وارد یک مغازه عتیقه‌فروشی که صاحب آن نیز ارمنی بود و در حوالی کتابخانه انگلیس قرار داشت، می‌شد و قهوه می‌خورد و سیگار می‌کشید. بعضی از خانه‌ها و مغازه‌های که در نزدیکی کنسولگری و بیمارستان انگلیس بود، محل ملاقات مأموران انگلیس و جاسوسانشان بوده است. (مهدی‌نیا، ۱۳۷۱: ۲۰۵-۲۰۶-۲۰۱). این ملاقات‌ها در نهایت به شناسایی محل سکونت مایر منجر گردید. اگرچه در ابتدا مایر، موفق به فرار شد، اسناد و مدارک او در خانه‌اش در اصفهان به دست مأموران انگلیس افتاد. البته از دسترسی به این اسناد و استفاده متفقین از آن و اعلام فهرست افراد مرتبط با مایر، مدت زمانی فاصله افتاد و علت، آن بود که مایر، اسامی افراد خود را به صورت رمز ثبت می‌کرد. با دستگیری مایر بود که متفقین توانستند اسامی واقعی را به دست آورند (خامه‌ای، ۱۳۷۸، بخش اول: ۲۲۰). دسترسی مأموران انگلیس به مدارک مایر و سپس ترجمه آن‌ها به انگلیسی‌ها کمک کرد شناخت بیشتری از طرفداران آلمان در اصفهان به دست آورند و اقدام به بازداشت آنان نمایند. در ساعت ۳ بعد از ظهر روز ۱۳۲۱/۹/۱۷ش انگلیسی‌ها به منزل سرلشکر زاهدی در اصفهان رفتند و ایشان را تحت‌الحفظ با خود به تهران بردند (ساکما، ۳۶۸-۲۹۳؛ ضمیمه صفحه ۳۷). بازداشت زاهدی، مهم‌ترین اقدام انگلیس در جهت مقابله و خنثی کردن فعالیت آلمان‌ها در اصفهان و مرکز ایران بود.

در ادامه، افراد دیگری که متهم به طرفداری از آلمان بودند، دستگیر شدند. فرمانداری اصفهان، طی یک تلگرافی مورخه ۱۳۲۲/۶/۹ ش ۱۹۴۳/۹/۱ م از دستگیری چند نفر از افسران ارتش و غیره توسط ارتش انگلیس گزارش داد. در سند مربوط گزارش شده است: «نظامیان انگلیسی سرتیپ کوپال، سرهنگ احمد اخگر، سرهنگ جهاننگلو، سرگرد جهاننگلو، سرهنگ افسطی، سرهنگ

نوربخش، سروان زاهدی، حاج شهاب‌السلطنه بختیاری، سپاهانی، خاجیک و کریستوفر آلمانی را دستگیر و به ۱۸ کیلومتری اصفهان برده تا به عراق اعزام دارند (ساکما، ۲۹۷-۲۹۱؛ ضمیمه صفحه ۳۸). همچنین یک دندان‌ساز ارمنی جلفای اصفهان، مدیر یک مدرسه در جلفا، یک آلمانی صاحب داروخانه و همچنین همسران آلمانی عباسقلی دهش و نوکیانی، حسابدار شهرداری اصفهان، مورد سوءظن انگلیسی‌ها بودند (ساکما، ۲۹۳-۳۷۴؛ ضمیمه صفحه ۳۹).

جدول (۱)، (ساکما، ۳۳۱۸-۲۹۳)

صورت اسامی اتباع ایرانی [تعدادی از افراد بازداشت شده در اصفهان] که به تقاضای مقامات انگلیس بازداشت شده و مقام و محل تبعید آن‌ها					
نام	شغل	محل سکونت	تاریخ جلب	شماره پرونده	ملاحظات
مانوک مارتین	بازرگان	اصفهان	۱۳۲۱/۳/۳	۴۲- $\frac{7}{2}$ -۱۳۲۱ سال	در تاریخ ۲۱/۳/۷ طبق تقاضای کنسول انگلیس مقیم اصفهان نام‌برده به کرمان برده شد
رضا شایگان	کارداران کارخانه وطن	اصفهان	۲۱/۳/۳	۴۲- $\frac{7}{2}$ -۱۳۲۱ سال	در تاریخ ۲۱/۳/۱۲ طبق تقاضای کنسول انگلیس مقیم اصفهان به یزد تبعید و در تاریخ ۲۱/۳/۲۰ بطهران رثانه و فعلا در تهران متوقف است
دکتر لاوان پطروسیان	پژشک دندان‌ساز	اصفهان	-	۴۲- $\frac{7}{2}$ -۱۳۲۱ سال	کنسولیار انگلیس مقیم اصفهان تقاضا نموده نام‌برده از اصفهان دور شود و فعلا در تهران متوقف است

در نمونه دیگری در فرودین ماه ۱۳۲۴/مارس ۱۹۴۱م کنسول انگلیس، مقامات اصفهان را از ورود یکی از اتباع آلمانی به نام کنستانتین کاساکوفسکی (Konstantin Kasia Koski) به همراه مقداری اثاثیه از جمله تعدادی فیلم و یک دوربین عکاسی به روستای اسفرجان از توابع شهرضای اصفهان مطلع کرد. در نتیجه، فرماندهی هنگ مستقل ژاندارمری اصفهان، یکی از فرماندهان این

نیرو به نام رحمت‌اله صالحی را مأموریت داد که به محل برود و در صورت صحت خبر، نامبرده را دستگیر کند. کاساکوفسکی، در محل دستگیر و در هنگ ژاندارمی زندانی شد و کنسول انگلیس نیز در جریان گذاشته شد. کنسول انگلیس درخواست کرد کاساکوفسکی تا کسب تکلیف از سفارت تهران زندانی باشد. علاوه بر کاساکوفسکی، چند نفر دستیار و میزبانان ایرانی او به نام‌های شهریار اسفرجانی، محمد شهرضایی، رحیم مرشدآبادی و باقرخان شهرضایی دستگیر شدند و کلیه اثاثیه تبعه آلمانی و همدستان ایرانی‌اش تحویل کنسول انگلیس داده شد. افراد ایرانی پس از چند روز آزاد شدند و قرار شد تبعه آلمان پس از تحویل به کنسول انگلیس روانه تهران گردد (ساکما، ۲۹۳۲-۲۹۹۱). ترکیب افراد بازداشت‌شده توسط متفقین گوناگون بود و از نظامی گرفته تا ملأک و سیاست‌مدار و نماینده شرکت‌های آلمانی سینکلر در اصفهان را در بر داشت (نقش جهان، ۱۳۲۲: شماره ۲۳). تعدادی از افراد بازداشت‌شده چون اتهام سنگینی نداشتند، با سپردن تعهد آزاد شدند (ساکما، ۲۹۳-۳۳۱۸). این ترکیب گوناگون از قشرهای اجتماعی شهر اصفهان بیان دیگری از ظرفیت آلمان‌ها و عوامل آن‌ها در اصفهان بود.

اسناد نشان می‌دهد علاوه بر عوامل آلمان و طرفداران ایرانی آنان، اتباع دیگر کشورها که مظنون به ارتباط با آلمانی‌ها بودند، با درخواست کنسول انگلیس در اصفهان تحت تعقیب و بازداشت قرار داشتند. به‌ویژه، اتباع ایتالیایی، مجاری، چک و اسلواکی در اصفهان و مناطق اطراف مورد توجه بودند. این روند بازداشت، تبعید و سوءظن متفقین به نفوذ آلمان‌ها در اصفهان تا سال‌های پایانی جنگ ادامه داشت. از جمله کنسول انگلیس در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۲ش/ ۶ می ۱۹۴۳م طی نامه‌ای از فرمانداری اصفهان درخواست کرد افسر ایتالیایی به نام زیت زو (Zit Zo) را از زندان شهربانی تحویل بگیرد و در معیت چندین نفر ژاندارم با اتومبیل‌های کنسولگری به تهران اعزام دارند. کنسولگری کلیه هزینه‌های این کار را متقبل شده بود (ساکما، ۷۷۳-۲۹۱). متفقین و به‌ویژه، انگلیس نسبت به همسران و وابسته‌های افراد بازداشت‌شده در اصفهان نیز مظنون بودند. در یک نمونه، یانوش شتیاسی (Yanks' Shintyans) تبعه مجاری در اصفهان دستگیر شد و به تهران فرستاده شد. علی‌رغم این مسئله، انگلیسی‌ها نسبت به همسر او ترزا شتیاسی (Teresa Shintyans) نیز مظنون شدند و به فرمانداری اصفهان مراجعه و درخواست بازرسی از مدارک او را نمودند. بنابر درخواست فرمانداری اصفهان، شهربانی اصفهان با حضور نماینده فرمانداری، دست‌نوشته‌های نامبرده را ضبط کرد و به شهربانی برد. با دعوت کنسول انگلیس و در مقابل چشمان او، دست‌نوشته‌های

ترزا بررسی شد که در نهایت مشخص گردید این نوشته‌ها، دست‌نویس عادی است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۰، جلد پنجم: ۲-۳).

برخی از وابستگان اتباع مظنون به همکاری با آلمان‌ها که در اصفهان بازداشت شده بودند، با مقامات محلی و کشوری برای آزادی آنان وارد مکاتبه می‌شدند. در یک نمونه، بانو وارطور (Vardar) در نامه‌ای به نخست‌وزیری در تاریخ ۱۳۳۱/۱/۲۱ اظهار داشت: «جناب آقای نخست‌وزیر قریب چهل روز است طونی (Toni) و جانی (Jani)، پدر و برادر عزیزم، در شهربانی اصفهان بازداشت و با اینکه پدرم سخت بیمار است، اجازه ملاقات هم نمی‌دهند. سزاوار نیست در زمان تصدی آن جناب به کشور ایران، مردی هشتاد ساله این طور بی‌گناه در حالت بیماری زندانی و بلا تکلیف باشد. استدعای رسیدگی و امر به استخلاص آنان دارم. بانو وارطو، مهمانخانه فردوسی، اصفهان» (کریمی و همکاران، ۱۳۸۹، همان: ۵۹). همسران افراد آلمانی و غیرآلمانی متهم به طرفداری از آلمان، علاوه بر غربت و مشکل تنهایی ناشی از بازداشت همسرانشان، باید کنترل و نظارت مأموران انگلیس را نیز تحمل می‌کردند.

چگونگی برخورد نیروهای شوروی با مردم اصفهان در دوران اشغال ایران در جنگ

جهانی دوم

به‌دنبال اشغال ایران در سوم شهریور ۱۳۲۰ ش/۱۹۴۱م، جمع قابل توجهی از نیروهای نظامی شوروی، انگلستان و با یک فاصله زمانی یکساله، سربازان آمریکایی وارد ایران شدند. ورود نظامیان بیگانه، خوشایند مردم ایران نبود و خاطرات تلخی از حضور نیروهای متفقین، در ذهن آنان باقی ماند؛ اما با توجه به شواهد و مدارک به نظر می‌رسد بین رفتار و عملکرد نیروهای روسی با نیروهای امریکایی و انگلیسی در برخورد با مردم حداقل در ابتدای اشغال ایران، تفاوت‌هایی وجود داشته است. مقامات روسی در ابتدا تلاش داشتند رفتار سربازان خود را کنترل کنند، مبادا اقدامات نامتعارف و خلاف ادب آنان، سبب رنجش ایرانیان از آنان شود. آنان در همان روزهای اول اشغال ایران، به سربازان خود دستور داده بودند که اگر در مسیر خود در خیابان با یک بانوی ایرانی برخورد داشتید، بهتر است مسیر خود را عوض کنید و طوری رفتار نمایید که انگار او را ندیده‌اید تا مبادا اتهامی به شما وارد شود. با این وجود، اگرچه در ابتدا این مسائل رعایت می‌گردید، در ادامه وقتی اقامت روس‌ها در ایران طولانی شد، حرکات ناشایست از قبیل اخاذی از آنان نیز سر می‌زد (اسکندری،

۱۳۶۸: ۳۲۷-۳۲۸). همچنین موقع اشغال تهران، فرمانده کل نیروهای شوروی، به سربازانش دستور داده بود که در انظار عمومی دیده نشوند، در غیر این صورت به شدیدترین وجه حتی اعدام مجازات خواهند شد (فردوست، ۱۳۷۸، جلد اول: ۱۲۳). طبعاً این رویه دولت شوروی در کنترل سربازان خود کم‌وبیش در سایر شهرها از جمله اصفهان اعمال شده است. هرچند تعداد نیروهای روسی در شهری مانند اصفهان قابل مقایسه با مناطق شمالی ایران یعنی محل حضور مستقیم روس‌ها، نبوده است.

اسناد موجود درباره عملکرد سربازان روس در اصفهان، حاکی از آن است که نمونه‌های حرکات ناشایست و غیراخلاقی از سوی آنان کمتر است. البته این نحوه برخورد سربازان شوروی با مردم اصفهان با نحوه عملکرد و برخورد سربازان تزاری روسیه با مردم این شهر در جنگ جهانی اول متفاوت بوده است. در جنگ جهانی اول و در زمان اشغال ایران، اقدامات غیراخلاقی و رفتارهای بی‌شرمانه توسط سربازان روسی در اصفهان روی داده بود. جلال الدین همایی، درباره بخشی از رفتارهای بی‌شرمانه روس‌ها در اصفهان که به گفته او «شرحش مایه تأثر است»، آورده است: «روس‌ها شب‌ها مست و لایعقل در کوچه‌ها و بازارها مردم را لخت می‌کردند و به ناموس‌های مردم دست‌درازی می‌کردند و بخانه‌های مردم بیچاره وارد شده و با وقاحت و گستاخی طلب زن و بقول خودشان (ماتیشکا) می‌کردند» (همایی، ۱۳۹۵: ۷۱۹). همایی در جای دیگر می‌نویسد: خود شاهد بوده هنگامی که یک پیرمرد کاسب اصفهانی که در یکی از جوی‌های اصفهان (جوی شاه-جوب شاه) مشغول آب تنی بوده است، سربازان روس سر رسیده و «عورت او را بیکدیگر نشان می‌دادند، و کم‌کم عورت‌های خود را مکشوف کرده در ملاء عام شاشیدند و سر وقت پیرمرد رفته با او گلاویز شدند که عمل قبیح انجام بدهند» (همایی، همان: ۷۱۹-۷۲۰). در اینجا شانس با پیرمرد بوده که یکی از وابستگان کنسولگری روسیه می‌رسد و او را از دست سربازان نجات می‌دهد.

اما در جریان اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، شوروی جهت حفظ آبروی دولت خود و مرام و اندیشه کمونیسم و همچنین ایجاد وجهه در اصفهان بر روی رفتار سربازان و مستخدمین خود کنترل داشت. یکی از علل مهم در پیش گرفتن چنین سیاستی از سوی دولت شوروی نفوذ و استفاده از جنبش کارگری ایجاد شده در اصفهان پس از شهریور ۱۳۲۰ش بود. در این زمان پیامدهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی اشغال ایران بر وضعیت کارگران و روابط آنان با کارفرمایان اثر گذاشت و جنبش بزرگ کارگری در اصفهان را شکل داد. با اشغال ایران توسط متفقین، اوضاع کشور و از جمله اصفهان به هم ریخت. تقریباً یکی-دو ماه از اشغال ایران نگذشته بود که بحران اقتصادی اصفهان

را فرا گرفت و در ماه‌های آبان و آذر ۱۳۲۰ ش اقلام ضروری و مایحتاج مردم نایاب شد و با افزایش قیمت توأمان گردید. این ترقی قیمت و کمبود کالاها به‌خصوص در اقلامی مانند نان، قند، شکر، گوشت، روغن و میوه بیشتر نمایان بود. عمده مطالب روزنامه‌های اصفهان حول محور شرایط نابسامان مردم شهر به‌خصوص اقشار ضعیف و از جمله کارگران دور می‌زد که نمی‌توانستند حداقل مایحتاج روزانه خود را تهیه کنند. حتی مواردی از مرگ‌ومیر اهالی شهر بر اثر گرسنگی اعلام شده است (اخگر، شماره ۱۸۱۲، ۳۰ آذر ۱۳۲۱). مردم شهر برای تهیه یک قرص نان، آن هم با کیفیت نازل با مشکلات زیادی روبه‌رو بودند. عزت‌اله باقری یکی از کارگران کارخانه‌های اصفهان، برای پیدا کردن مقداری جو و گندم ناچار شده بود از مرکز اصفهان تا دهات شرق شهر برود و در نهایت توانسته بود، چند کیلو جو آن هم با مهرورزی یک کشاورز تهیه کند. با این حال، دغدغه‌اش این بوده که چطور این کیمیایی نایافتنی را به منزل برساند تا مورد دستبرد گرسنگان بین راه قرار نگیرد (باقری، ۱۳۸۷، جلد اول: ۲۲۳-۲۲۴).

فشار اقتصادی و اجتماعی ایجاد شده به کارگران که ناشی از افزایش قیمت‌ها و پایین بودن حقوق آنان بود، زمینه را برای بیان اعتراضات کارگری نسبت به پایین بودن حقوق و دستمزد فراهم کرد. هرچند پیش از این و در دوران رضاشاه، کارگران اصفهان اقداماتی را جهت احقاق حقوق و دستمزد خود داشتند، به‌واسطه اعطای برخی امتیازات به کارگران از سوی کارفرمایان و ممانعت حکومت رضاشاه با برگزاری هر نوع اعتراض و اعتصاب، ادامه پیگیری مطالبات کامل کارگران مسیر نشد؛ اما رویداد شهریور ۱۳۲۰ ش، فرصت را در اختیار کارگران گذاشت تا خواسته‌های انباشته شده خود را از کارفرمایان و دولت دنبال نمایند. کارگران در ابتدا شروع به اعتراضات مسالمت‌آمیز به شکل ارائه درخواست جهت افزایش حقوق و دستمزد برآمدند؛ اما مقاومت کارفرمایان، کارگران را منسجم‌تر نمود و زمینه تشکیل اتحادیه کارگران اصفهان را فراهم کرد. تشکیل اتحادیه کارگران اصفهان اگرچه مبتنی بر ساختارهای صنفی و تشکیلاتی حزب توده نبود، با این حال، برای حزب توده فرصتی ایجاد کرد تا بتواند بر موج جریانات کارگری اصفهان سوار شود. اسناد موجود نشان می‌دهد اعضای حزب توده، در پناه حمایت شوروی در اصفهان و از فرصت ایجاد شده در مناطق مختلف برای تبلیغات خود استفاده می‌کردند.

آوانسیان از رهبران توده دربارهٔ زمینه تشکیل حزب توده در اصفهان و اهمیت آن می‌نویسد: «موقع جنگ جنس از خارج وارد نمی‌شد، و خیلی از کالاها مخصوصاً قند و شکر کمیاب بود.

کارفرمایان کارخانه‌های نساجی اصفهان به دلیل وارد نشدن کالا و عدم رقابت، مردم را غارت می‌کردند. حزب در اصفهان، برای بهبود وضعیت کارگران تلاش می‌کرد و اتحادیه و سازمان حزبی بوجود آورد. صاحبان کارخانه‌ها به سختی مقاومت می‌کردند. اصفهان دروازه جنوب بود، و حقیقتاً هم بود و می‌شد، بعد از پیروزی در اصفهان در خوزستان و کرمان و حتی بندرعباس و بوشهر نفوذ پیدا کرد» (آوانسیان، ۱۳۷۶: ۴۹۰-۴۸۹). توجه رهبران حزب توده به گسترش نفوذ حزب در اصفهان سبب شد در اواسط زمستان ۱۳۲۰ش افرادی مانند محرم علی شمیمه، تقی فداکار، نعمت‌اله بهرام‌پور، احمد کفعمی، عبدالحسین بزرگ‌زاده، ژرژ استپانیان و افراد دیگر تشکیلات حزب توده در اصفهان را پایه‌گذاری کنند. این افراد تا ۲۲ خرداد ۱۳۲۱ش و زمان اعلام رسمی به‌طور مخفیانه به ترویج و تبلیغ اهداف خود مشغول بودند (خسرو پناه، ۱۳۸۴: ۹۸). پس از قدرت یافتن اتحادیه کارگران در اصفهان، طی مدت یک ماه دفاتر حزب توده در شهرها و روستاهای اصفهان افتتاح شد (آذربایجانی، ۱۳۹۳: ۷۰). تلگراف‌های متعددی از طرف مردم استان اصفهان در مناطقی مانند سیده، کوشک، زواره اردستان و شهرضا مبنی بر حملات اعضای حزب توده به منازل و مغازه‌های مردم به نخست‌وزیری ارسال شده بود (ساکما، ۲۰۰۷-۲۹۳؛ ۳۹۳۵۰-۳۱۰؛ ضمیمه صفحه ۱۸۹). در بعضی از شهرها مانند سیده اصفهان دفتر حزب توده موفق شده بود اجتماع ۲۰۰۰۰ نفری ترتیب دهد (آذربایجانی، ۱۳۹۳: ۷۶). فراگیر شدن جنبش کارگری در اصفهان و متعاقب آن نفوذ حزب توده در تشکلهای کارگری، به‌خصوص اتحادیه کارگران اصفهان، به روسها این امکان را می‌داد تا بتوانند سیاست‌های خود را دنبال کند در نتیجه برای آنان مهم بود که رفتار سربازان این کشور وجهه شوروی و حزب کمونیست را در اصفهان خدشه‌دار نسازد.

از سوی دیگر، اسناد گویای آن است که در این دوره، دولت شوروی درصدد تبلیغ مرام کمونیست در اصفهان هم برآمد. در یکی از این اسناد، شهربانی اصفهان در گزارشی به استانداری اصفهان اعلام کرد: «طبق گزارش واصله چند روز قبل چند نفر افسر شوروی که گویا دو نفر از آن‌ها نژاد ارمنی بوده با تفاق کنسولیاری شوروی به فریدن [یکی از شهرهای استان اصفهان] رفته مخصوصاً در دهات ارمنی‌نشین تبلیغات بلشویکی بین اهالی نموده و عکس‌هایی هم از آن‌ها برداشته‌اند مراتب استحضاراً عرض که مقرر فرمایید بوسایل مقتضی و محرمانه جریان را تحقیق نموده بعرض رسانیده و نتیجه را امر اعلام فرمایند- از طرف رئیس شهربانی اصفهان- یاور عمادی» (ساکما، ۱۸۶۴-۲۹۰). ظاهراً این تبلیغات تا حدودی هم اثرگذار بوده است و منجر به ترک تابعیت ایرانی تعدادی از ارمنه و

مهاجرت آنان به ارمنستان شوروی شده بود. گفته شده از ۳۰۰ تا ۵۰۰ نفر و بیش از آن، در این دوره مهاجرت کردند که برخلاف انتظارشان در ارمنستان روزگار خوبی نداشتند و ویلان و سرگردان شدند. (همایی، ۱۳۹۵: ۶۸۶). آوانسیان در خاطرات خود به گرگی‌های اصفهان اشاره کرده که نمایندگانشان با آن روحیه انقلابی که داشتند، به تهران آمده با اعضای حزب توده تماس می‌گرفتند و از آنان تقاضای اسلحه می‌کردند تا از راه و شیوه مسلحانه به اهداف اجتماعی خود برسند (آوانسیان، ۱۳۷۶: ۵۱۶).

علاوه بر تبلیغ مرام و اندیشه کمونیسم توسط شوروی، این دولت با اقدامات و برنامه‌های گوناگون می‌خواست پیروزی و افتخارات در جنگ جهانی دوم و شکست آلمان را به نام خود تمام کند. در تاریخ ۶ خرداد ۱۳۲۳ش / ۲۷ می ۱۹۴۴م کنسولگری شوروی رجال و بزرگان اصفهانی را برای تماشای فیلم «بیکار برای پس گرفتن اوکرانی [اوکرین]» دعوت کرد. این فیلم در سینما مایاک برای مردم پخش شد. روس‌ها در این فیلم که به مناسبت پس گرفتن اوکرین از آلمان‌ها ساخته شده بود، مناظری از شهرهای اوکرین پیش از حمله آلمان‌ها و زمان اشغال و پس از آن و همچنین رشادت اوکرینی‌ها و استقبال آنان از سربازان روس را نمایش دادند (نقش جهان، ۱۳۲۳: شماره ۹۶). پخش فیلم «پرچم پیروزی در برلین» در کنسولگری شوروی (نقش جهان، ۱۳۲۴: شماره ۲۵۲)، نمونه دیگری از فیلم‌های پخش شده روسها در اصفهان بود. حتی ساخت فیلم‌هایی درباره ایران و نمایش آن در اصفهان گوشه‌ای از برنامه‌های شوروی برای تاثیرگذاری بر افکار عمومی در اصفهان بود. در این زمینه، کارگردانان روسی فیلم «ایران» را درباره تاریخ و ادبیات ایران ساختند. در این فیلم، کتاب‌هایی که توسط محققین شوروی درباره ایران نوشته و در دوره رضاشاه اجازه انتشار به آن‌ها داده نشده بود، معرفی شده بود. فیلم «ایران»، به عنوان هدیه فرهنگی از طرف انجمن مناسبات فرهنگی شوروی به شاه ایران معرفی شد (نقش جهان، ۱۳۲۲: شماره ۱۱). همچنین روسها، فیلم‌های مربوط به طرح‌های عمرانی در آسیای میانه را در سینماهای اصفهان نمایش دادند که از جمله فیلمی مربوط به ازبکستان بود (همان، ۱۳۲۴: شماره ۲۲۳). به نظر می‌رسد، شوروی با ساخت و نمایش فیلم‌های مربوط به پیشرفت‌های مناطق مسلمان‌نشین که با ایرانیان قرابت فرهنگی داشتند، می‌خواست هرچه بیشتر بر مردم اصفهان تأثیر بگذارد و آنان را متوجه خود کند. وجود اقلیت ارمنی در اصفهان و اینکه ارمنستان یکی از جمهوری‌های شوروی بود، به مأمورین این کشور در شهر اصفهان کمک کرد برنامه‌های فرهنگی و تبلیغی خود در اصفهان را اجرا کنند.

ایجاد کتابخانه و سالن مطالعه توسط روسها (همان، ۱۳۲۲: شماره ۶)، بخش دیگری از اقدامات فرهنگی و تبلیغی آنان در اصفهان بود. در موردی دیگر آقای آشور (Ashur) نایب کنسول شوروی در اصفهان به همراه تعدادی از همراهان خود، در تاریخ ۱۸ مهرماه ۱۳۲۲ ش/ ۱۱ اکتبر ۱۹۴۳ م در سفر به شهرضا، اقدام به نمایش عکس‌های تبلیغاتی در یکی از دبیرستان‌های این شهر کردند. مأمورین شوروی سالن این دبیرستان را با عکس‌های مربوط به جبهه‌های جنگ شوروی مقابل ارتش آلمان پر کرده بودند (ساکما، ۳۱۵۸-۲۹۱). اعزام موسیقی‌دان از سوی شوروی‌ها بخشی از اقدامات روسها بود (ساکما، ۲۵۳-۲۹۳). موفقیت و اثرگذاری همه اقدامات دولت شوروی و عوامل آنان در اصفهان مستلزم آن بود که سربازان روسی که در اصفهان مستقر بودند، جهت نشان دادن چهره دولتی دوست و الگوی تمام‌عیار از ایدئولوژی کمونیسم که به فکر ملل استعمار دیده است، رفتاری منضبط، اخلاقی و عامه‌پسند داشته باشند. به‌خصوص آنکه در دوران رضاشاه زمینه ورود و اشاعه افکار و مرام شوروی و اطلاعات مربوط به این کشور وجود نداشت و یا محدود بود و به نظر می‌رسید مردم اصفهان رغبت داشتند شناخت بیشتری از شوروی و وضعیت سیاسی، اقتصادی و به‌خصوص اجتماعی و هنری این کشور داشته باشند. بنابراین، دولت شوروی برای نفوذ در بین اهالی اصفهان، به‌ویژه جنبش کارگری آن و اینکه برخوردهای ناپسند نیروهایش با مردم زمینه‌های تبلیغاتی شوروی را در اصفهان از بین نبرد، بر رفتار سربازانش نظارت بیشتری داشت و این سیاست از همان ابتدای استقرار و عبور و مرور نیروهایش در اصفهان رعایت گردید.

در یک نمونه از نظارت دولت شوروی بر مأموران و مستخدمان خود، وزارت خارجه این کشور طی نامه‌ای به وزارت کشور ایران، اطلاع داد رانندگان روسی و کسانی که برای این دولت کار می‌کنند، حق سوار کردن ایرانیان و بار و اثاثیه آنها را ندارند. چون مسیر اصفهان، برای انتقال تجهیزات و تدارکات متفقین استفاده می‌شد، امکان تعامل و برخورد مأمورین شوروی با شهروندان اصفهانی وجود داشت. بنابراین در تاریخ ۱۳۲۲/۵/۳۰ ش وزارت کشور در بخشنامه‌ای به استاندار استان اصفهان (دهم) اعلام کرد: «مطابق اطلاع وزارت امورخارجه، مقامات شوروی بتمام رانندگانی که به باربری برای اتحاد جماهیر شوروی اشتغال دارند دستور داده‌اند که از قبول بار و سرنشین متفرقه خودداری نمایند و پاسگاه‌های بازرسی عبور و مرور به محض کشف بار و سرنشین متفرقه در اتوموبیل‌های ارتش شوروی باید مراتب را برئیس کاروان اطلاع بدهند» (ساکما، ۹۰۷-۲۹۱، ضمیمه صفحه ۴۰). مقامات شوروی دلیل این امر را جلوگیری از سوءتفاهمات احتمالی عنوان کرده و از

مقامات دولت ایران خواسته بودند مردم ایران را نیز از موضوع مطلع کنند. مأموران بازرسی در راه‌ها، موظف بودند نسبت به این موضوع مراقبت‌های لازم را به عمل آورند (ساکما، همان).

با اینکه مقامات شوروی بر رفتار سربازان خود نظارت داشتند، مواردی از قانون شکنی و مزاحمت هرچند ناچیز و اتفاقی توسط سربازان این کشور در اصفهان گزارش شده است. طبق گزارش شهرداری اصفهان که در تاریخ ۱۳۲۱/۵/۱۲ ش برای استاندار اصفهان فرستاده شده است، رئیس شهرداری اصفهان اعلام کرده است: نیروی شوروی با ۲۶ کامیون در میدان انقلاب (۲۴ اسفند) مستقر شدند، تا پس از چندی توقف و استراحت به تهران عزیمت کنند. در ساعت یک بعد از نیمه شب روز هفتم مرداد ۱۳۲۱ ش یکی از سربازان یگان نامبرده، اقدام به شلیک هوایی می‌کند. پاسبانان کلانتری نزدیک محل، بلافاصله درصدد کشف علت صدا برمی‌آیند. مشخص می‌شود، صدای تیر ناشی از شلیک یکی از سربازان شوروی در محل مذکور است. سرباز شوروی در پاسخ به پرسش پاسبانان اصفهانی درباره علت شلیک ادعا نموده، دو نفر دزد دیده و اقدام به شلیک کرده است. سرباز روس متخلف، بعد از آن شبانه به کنسولخانه شوروی در اصفهان رفته، و ادعایش مبنی بر دیدن دزد را برای مقامات دولت متبوع خود در اصفهان تکرار می‌کند. اما مقامات شوروی ادعای سربازشان را نپذیرفته و حتی در مراجعه مقام کنسولی روسیه به کلانتری ایشان اعلام کرده، اظهارات سرباز دروغ است و قصد او از این کار معلوم نیست. (ساکما، ۳۱۵-۲۹۳، ضمیمه صفحه ۴۱).

بررسی گزارش مذکور نشان می‌دهد نخست، اقدام سرباز روس در زمره رفتارهای غیراخلاقی و حساسیت‌برانگیز برای اهالی اصفهان نبوده است. دوم، مقامات روس در اصفهان، اقدامی در جهت توجیه اقدام سرباز خود نداشتند. با توجه به این گزارش، به نظر می‌رسد رفتار سربازان روسی در شهری مانند اصفهان، تا حدودی تحت نظارت بوده و آنان اقدامات خلاف عرف و شأن جامعه که عکس‌العمل اصفهانی‌ها را به دنبال داشته باشد، نداشته و یا حداقل نویسنده به شواهد و مدارکی در این مورد دست نیافت.

اسناد مربوط به برخورد نیروهای انگلیس و آمریکا با مردم در اصفهان طی اشغال

ایران در جنگ جهانی دوم

بخش دیگری از نیروهای متفقین در ایران را نیروهای انگلیسی و آمریکایی تشکیل می‌دادند. خاطره خوبی از برخورد نیروهای انگلیسی و به‌خصوص آمریکایی در جنگ جهانی دوم با مردم در

ذهن ایرانیان نقش نبسته است. تقریباً تمام منابع از عملکرد نامطلوب و غیراخلاقی درجه‌داران و سربازان امریکایی و انگلیسی در جنگ جهانی دوم در ایران گزارش دادند. در مقایسه تهران با اصفهان، رفتار سربازان انگلیسی و امریکایی در تهران زنده‌تر بوده است. گفته شده در تهران «سربازان امریکایی در اکثر کافه تریاها و بارهای متعدد دو خیابان (اسلامبول و لاله‌زار) ضمن سرگرمی و عشرت‌آمیزی و باده‌گساری به اعمال ناهنجار و شرم‌آور و به اتفاق زنان خودفروش و بدنام دست می‌بازیدند... مأموران دژبان امریکایی (ام.پی) با باتون‌های به کمر آویخته و کلاه‌خود مخصوص به سر ظاهراً به عملیات چن‌دش‌آور سربازان امریکایی نظارت داشتند ولی هرگز از عهده آن‌ها بر نمی‌آمدند» (نجمی، ۱۳۷۰: ۲۰-۱۹). این نحوه برخورد سربازان امریکایی و حضور زنان ایرانی در کنار آنان، احساسات مردم در تهران را جریحه‌دار کرده و در بعضی از موارد با واکنش ایرانیان مواجه شد. در مواردی ایرانیان به‌خاطر اینکه قدرتی برای مقابله با سربازان و درجه‌داران متفقین نداشتند، حداقل به طرف‌های ایرانی آنان می‌تاختند. سروان بقیعی، وقتی یکی از زنان ایرانی را با یک درجه‌دار امریکایی می‌بیند، از کوره در می‌رود و به آن زن می‌گوید: «پدر سوخته، پتیاره [زن بدکاره] ... مگه بیل به کمر ایرانی خورده که با اینا میری؟! ... تا کی ... تا چن‌د؟! ... آبروی مملکت رفت...! خوار و خفیف شدیم» (بقیعی، ۱۳۷۳: ۲۶۰-۲۵۹). اما به‌دلیل آنکه اصفهان شهری مذهبی بود و نسبت به تهران مراکز بار، رستوران و سایر مراکز تفریحی کمتری داشت، رفتار سربازان امریکایی و انگلیسی به مانند تهران خیلی علنی و در انظار عمومی انجام نمی‌شد. با این حال، بر طبق اسناد موجود، سربازان امریکایی و انگلیسی رفتارهایی داشتند که خارج از شئون و باورهای شهری مذهبی مانند اصفهان بود. استعمال شراب و عدم کنترل این سربازان از سوی دولت‌های متبوع خود و شاید حس غلبه‌جویی آنان در اصفهان سبب برخوردها با مردم شده بود. در ادامه، براساس اسناد رسمی و غیررسمی چند نمونه از این برخوردها ذکر می‌شود.

به طور مثال در یک نمونه از برخوردهای فسادانگیز که در گزارش غیررسمی یکی از شهروندان اصفهانی به استاندار اصفهان آمده است، سربازان امریکایی در تاریخ ۱۳/۲/۱۳۲۳ ش ۱۹۴۴/۵/۳ به قصد رفتن به خانه یکی از زنان فاحشه مشهور شهر به راه می‌افتند، اما به دلیل ناآشنایی آنان با شهر و خیابان‌های آن به اشتباه در یک روز چندین مرتبه در خانه یکی از همسایگان آن زن را می‌زنند. صاحب خانه بیچاره چون زبان سربازان امریکایی را نمی‌دانسته است، در ابتدا متوجه ماجرا نمی‌شود و فکر می‌کند، او کاری کرده که این سربازان برای دستگیری و یا مقابله آمدند. بعد متوجه می‌شود،

که ماجرا چیست، و آنان جهت فحشاء به خانه زن بدکاره آمده، ولی خانه را اشتباه گرفتند (ساکما، ۳۰۷۱-۲۹۱، ضمیمه صفحه ۴۲). بررسی سند فوق نشان می‌دهد، سربازان آمریکایی بدون آنکه نظارتی بر آنان باشد، خودسرانه و در دفعات زیاد آزاد بودند در شهر گردش و به چنین اقداماتی دست بزنند. همچنین در گردش سربازان در شهر حداقل یک مترجم همراه آنان نبوده که این چنین مزاحمت برای شهروندان اصفهانی ایجاد نکنند. ضمن اینکه این حرکات سربازان، اشاعه فحشا در شهر و ایجاد نگرانی و دلهره برای خانواده‌های اصفهانی بوده، به خصوص برای خانواده‌هایی مانند خانواده ذکر شده در سند که مستقیماً تحت آسیب و مزاحمت سربازان بیگانه قرار گرفته است.

سربازان انگلیسی هم در این زمینه دست کمی از سربازان آمریکایی نداشتند. از آنان نیز در طول اقامت در شهر اصفهان برخوردهای محل آرامش و عفت عمومی در شهر سرمی‌زد. به طور مثال، در گزارش شهرداری اصفهان به استانداری در تاریخ ۱۳۲۱/۱۲/۳۰ آمده است: سربازان انگلیسی خانه‌ای متعلق به یکی از ارامنه جلفای اصفهان به نام ابراهیم اردوکلیان در کوی محمد آباد پشت مطبخ [آمدگاه فعلی] اجاره می‌نمایند. در چند ماه که این خانه در اجاره سربازان انگلیسی قرار داشته است، شب‌ها سربازان انگلیسی زنان بدکاره شهر و زنان لهستانی را به آنجا آورده و مشغول عیش و نوش می‌شدند. در یکی از شب‌ها در تاریخ ۱۳۲۱/۱۲/۲۹ ش ۱۹۴۳/۳/۲۰م سربازان انگلیسی در حالت مستی، با تیراندازی هوایی، سبب مزاحمت برای ساکنین این خیابان شدند (ساکما، ۳۱۶۶-۲۹۱، ضمیمه صفحه ۴۳). از بررسی سند فوق می‌توان چنین برداشت کرد که

۱- نیروهای متفقین، خانه‌ها و مراکزی را اجاره می‌کردند که حساسیت کمتری به خاطر اجاره دادن و سوءاستفاده احتمالی نسبت به مالکان آن بوده است. در این مورد مشخص، آنان خانه یکی از اهالی ارامنه جلفای اصفهان را اجاره کرده بودند.

۲- سربازان متفقین از حضور تعدادی از زنان و کودکان لهستانی در اصفهان که به خاطر مسائل جنگ به اصفهان آورده شده بودند، سوءاستفاده می‌کردند. این حرکات باعث اشاعه فحشا در شهر شده، طبعاً حضور این زنان همراه سربازان متفقین به خصوص اینکه خانه اجاره‌ای آنان در مرکز شهر و در کنار ابنیه تاریخی شهر بوده، بر بافت مذهبی و اخلاقی شهر تأثیر داشته است.

۳- تیراندازی هوایی آن هم در حالت مستی علاوه بر مزاحمت‌های صوتی و ایجاد دلهره در ساکنان اطراف، احتمال آسیب‌های جانی را برای شهروندان داشته است.

سربازان آمریکایی و انگلیسی، علاوه بر برخوردهای منافی عفت عمومی که گزارشات آن در قسمت‌های قبلی گفته شد، در مواردی سبب ضرر و زیان مالی به مردم شده و به هیچ وجه هم زیر بار جبران آن نمی‌رفتند. به طور مثال، در یک نمونه در تاریخ ۱۳۳۱/۱۱/۲۴ ش/ ۱۳۳۱/۲/۱۳ م در خیابان طالقانی اصفهان (شاه قدیم) دو نفر سرباز انگلیسی در حالت مستی با ضرب و شتم یک سرباز اصفهانی، کلاه نظامی مافوق او یعنی سروان امینی را که همراهش بوده بر سر گذاشته و با لودگی سرباز بیچاره را کشان‌کشان به یک مغازه شیرینی‌فروشی به نام مظفری که در آن نزدیکی بوده می‌برند و پس از خوردن مقداری شیرینی و سپس حیف و میل مابقی آن‌ها، به مغازه مجاور که یک میوه‌فروشی بوده، می‌روند و در آنجا نیز اعمال خود را تکرار می‌کنند و سپس سوار ماشین می‌شوند و محل را ترک می‌نمایند. ستوان امینی بر طبق سخنان گماشته خود که سربازان انگلیسی این برخوردهای زننده را با او داشته‌اند، در گزارشی در تاریخ ۱۳۳۱/۱۱/۲۶ به مافوق خود جریان واقعه را گزارش می‌کند (ساکما، ۱۳۳۱-۲۹۱، ضمیمه صفحه ۴۴).

هرچند در پیگیری این شکایت، فرماندار اصفهان در نامه‌ای به گولت (Gullet) کنسول انگلیس در این شهر، نسبت به اقدام ناشایست سربازان انگلیسی اعتراض می‌کند، ولی سندی که نشان بدهد گولت نسبت به این قضیه پاسخ داده باشد در دست نیست. در نمونه دیگر، یک زرگر اصفهانی به نام مهدی، در تاریخ ۱۳۳۱/۱/۲۱ ش/ ۱۹۴۲/۴/۱۰ م مورد اخذی چهار سرباز آمریکایی قرار گرفت. این سربازان به مغازه زرگر اصفهانی رفته و یک قطعه طلای بیست دلاری به ارزش ۳۰۰۰ ریال به عنوان قصد خرید درخواست کرده و بدون آنکه بهای آن را بپردازند یا آن را برگردانند، طلا را برداشته و از مغازه خارج می‌شوند. مهدی زرگر، علی‌رغم اینکه به دژبان‌های آمریکایی مستقر در اصفهان رجوع می‌کند تا به پول طلا و یا جنس خود برسد، ولی دژبانان آمریکایی با وعده و وعید رسیدگی به این موضوع، کاسب اصفهانی را راضی می‌کنند که پیگیری خواهد شد. مقامات آمریکایی برای اینکه از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند، در توجیه نحوه برخورد سربازان خود، مست‌بودن آن‌ها را بهانه آورده و می‌گویند: فعلا آنان به اراک رفته و دسترسی به آن‌ها امکان ندارد (ساکما، ۳۰۷۱-۲۹۱، ضمیمه صفحه ۴۵). اسناد نشان می‌دهد مقامات آمریکایی بیش از دو ماه کاسب اصفهانی را دور سر دوانده و نه طلا و نه بهای آن را پرداخت نکردند، به طوری که بعد از دو ماه شهرداری اصفهان براساس شکایت اولیه مهدی زرگر در کلانتری بخش ۳ اصفهان، طی نامه به استانداری اصفهان اعلام می‌کند نام‌برده تاکنون به خواسته خود نرسیده است.

همچنین در مورد دیگر، دو سرباز انگلیسی در یک مغازه شیرینی‌فروشی واقع در خیابان چهارباغ، اقدام به شکستن جام شیشه‌ای می‌کنند. دژبانان انگلیسی حاضر شده و خاطیان را سریع از صحنه فراری می‌دهند و علی‌رغم پیگیری ادارات اصفهان به‌خصوص شهرداری جهت شناسایی هویت این افراد، کنسولگری انگلیس و شخص گولت، کنسول انگلیس در اصفهان، همکاری را در این زمینه برای شناسایی هویت سربازان خاطی ندارد (ساکما، ۱۶۲۵-۲۹۱، ضمیمه صفحه ۴۶). این برخوردهای نیروهای متفقین فقط شامل افراد عادی نبود، بلکه در مواردی به درگیری بین نظامیان اصفهانی و سربازان متفقین منجر می‌شد. در تاریخ ۴ / ۱۲ / ۱۳۲۲ ش / ۱۹۴۴ / ۲ / ۲۴ م یک درجه‌دار اصفهانی به نام ستوان دوم نجفی از محدوده خیابان نظر با درشکه به سمت داخل شهر حرکت کرده که در بین راه با یک اتوموبیل انگلیسی تصادف می‌کند. دو طرف همدیگر را مقصر دانسته که از مسیر خود منحرف شدند. بین آن‌ها مشاجره شده و درجه‌دار اصفهانی دست به اسلحه برده و چند تیر هوایی شلیک می‌کند که یک نفر انگلیسی زخمی می‌شود. (نقش جهان، ۱۳۲۲، شماره ۵۴).

علاوه بر موارد گفته‌شده، با توجه به اسناد موجود، در نتیجه رفت‌وآمد خودروهای نظامی و غیرنظامی متفقین در شهر اصفهان، تعدادی از مردم در اصفهان فوت و یا مصدوم شدند. در یکی از اسناد که شهرداری اصفهان در پاسخ بخشنامه وزارت کشور مبنی بر اعلام خسارات واردشده توسط نیروهای متفقین در شهرها و روستاها برای این وزارت‌خانه فرستاده شده است، شهرداری اصفهان هویت دو نفر که در نتیجه تصادف خودروهای متفقین فوت کردند را اعلام کرده است. یکی از آنان به نام ستار صابری است که یک افسر انگلیسی به نام براون پارکر (Brown Parker) راننده آن بوده و در تاریخ ۱ / ۲۹ / ۱۳۲۳ ش / ۴ / ۱۸ / ۱۹۴۴ م در خیابان سید علی‌خان نام‌برده را زیر گرفته و باعث مرگ او شده است. در مورد دیگر، یک سرباز آمریکایی که هویت او مشخص نشده در تاریخ ۳ / ۲۳ / ۱۳۲۴ ش / ۴ / ۲۳ / ۱۹۴۵ م در خیابان سپه اصفهان با ماشین با سید محمد ابطحی برخورد و منجر به فوت نام‌برده می‌شود (ساکما، ۳۴۵۰-۲۹۱، ضمیمه صفحه ۴۷). در مورد تلفات ناشی از رفت‌وآمد ماشین‌های متفقین، به نظر می‌رسد با توجه به اسناد قبلی، یکی از علل تصادفات رانندگان متفقین رانندگی در حالت مستی بوده است.

در مجموع در اصفهان اگرچه تظاهرات عمومی سربازان متفقین و رفتارهای بی‌قید و بند آنان اعم از شراب‌خواری، عیاشی با زنان بدکاره، لودگی و مسخره‌بازی، زورگویی، آسیب‌رساندن به اموال و دارایی شخصی و دولتی و... در حد و اندازه تهران نبوده است، با این حال، طبق اسناد موجود مواردی

قابل توجه بوده و چه بسا موارد زیادی که افراد به دلایلی از جمله امید نداشتن به رسیدگی به شکایات و حقوقشان، مخارج پیگیری شکایات و یا ترس از سربازان متفقین و... از بیان شکایت خود صرف نظر کرده بودند. در این چند نمونه، مشاهده شد که مطالبی که نشان دهد این شاکیان به حق خود رسیده باشند، وجود ندارد. در همان وهله اول که خلافی از سوی سربازان متفقین در برخورد با مردم انجام می‌شد، انتظار می‌رفت که دژبانان متفقین در شهر اصفهان رسیدگی کنند؛ ولیکن آن‌ها اغلب در محل نبوده و یا اگر حضور هم داشتند اقدام عملی انجام نمی‌دادند. چه بسا خاطیان را از صحنه جرم فراری می‌دادند. مقامات اصفهان نیز اگرچه شکایات اصفهانی‌ها را نسبت به رفتار سربازان متفقین رسیدگی می‌کردند، چون این رسیدگی و پیگیری مستلزم همکاری مقامات متفقین در اصفهان و مرکز بود و آنان نیز در این زمینه همکاری نمی‌کردند، غالباً نتیجه‌ای نمی‌گرفتند. در هر صورت، اهالی اصفهان، به‌خصوص ساکنان و کسبه مرکزی شهر، در دوران اشغال ایران از شرارت‌ها و اقدامات تجاوزکارانه سربازان متفقین بی‌نصیب نبودند؛ اما نه گوش شنوایی از سوی متفقین و نه قدرتی از ادارات اصفهانی برای احقاق حق آنان وجود داشته است. در واقع، احساس غرور و برتری‌پنداری نیروهای متفقین در کنار ناتوانی دولت و مسئولان اصفهانی شرایط نامطلوبی را برای اهالی اصفهان در دوران اشغال ایران، به‌خصوص آسیب‌دیدگان از رفتار نیروهای متفقین به وجود آورده بود.

نتیجه

با اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، متفقین بنابر علل و ضرورت‌هایی چون خنثی نمودن نفوذ آلمان‌ها در اصفهان و جلوگیری از ارتباط آنان با ایلات بختیاری و قشقایی و همچنین تأمین امنیت منابع نفتی و کنترل مسیر انتقال تجهیزات به شوروی که همه متضمن منافع نامشروع آنان در ایران بود، در اصفهان نیز مستقر و به گشت‌زنی مشغول شدند. مأموریت مهم نیروهای متفقین در اصفهان نظارت و بازداشت آلمان‌ها و طرفدارانشان در این شهر بود و آنان برای انجام این مأموریت از راه و روش‌هایی چون به خدمت گرفتن مهره‌های خود، اعلام پرداخت رشوه و جایزه به معرفی‌کنندگان مخفیگاه‌های آلمان‌ها و حتی به گرو گرفتن ارزاق عمومی اصفهانی‌ها و... استفاده کردند. افراد زیادی از نظامی تا شهروندان معمولی و حتی اداره‌کنندگان آلمانی مراکز خیریه اصفهان توسط نیروهای متفقین بازداشت شدند. چون تمرکز متفقین تنها بر بازداشت آلمان‌ها و طرفدارانشان در اصفهان بود،

در نتیجه در این مدت فرهنگ، سیاست و اقتصاد و جامعه این شهر تحت تأثیر اقدامات آنان قرار گرفت که از نمودهای آن، برخوردهای پیش آمده میان نیروهای متفقین و مردم اصفهان بود. بررسی نحوه و نتایج این برخوردها نشان داد، رفتار و برخورد نیروهای روسی با مردم اصفهان در جنگ جهانی دوم چه در مقایسه با رفتار و برخورد سربازان تزاری هموطن خود در جنگ جهانی اول و چه در مقایسه با برخورد و رفتار نیروهای آمریکایی و انگلیسی در اصفهان در جنگ جهانی دوم کمتر غیر اخلاقی و آسیب زا بوده است. در جنگ جهانی دوم و پس از شهریور ۱۳۲۰ش روسها، جهت نفوذ در بین مردم اصفهان به خصوص کارگران اصفهانی و خدشه دار نشدن تبلیغات و وجهه این دولت تا حدودی بر رفتار سربازان خود نظارت داشتند و در نتیجه و بر طبق گزارش های رسمی و غیر رسمی موجود، برخوردهای غیر اخلاقی، فساد انگیز و احیاناً سلطه جویانه آنان با مردم کمتر رخ داده است. اما در مقابل به دلیل عدم نظارت مقامات امریکا و انگلیس بر رفتارها و نحوه برخورد نیروهایشان با مردم در اصفهان، این نیروها بی پروا از رسیدگی و مؤاخذه مقامات اصفهان و دولت های متبوع خود، دست به اقدامات هنجارشکنانه و غیرقانونی در این شهر زدند که نتیجه آن ناامنی، اشاعه فساد، هتک حرمت خانواده ها و اشخاص و مقامات و ضرر و زیان های مالی و جانی افراد بود. در کل و در مجموع می توان گفت: در ایران بین قول و عمل نیروهای متجاوز و اشغالگر متفقین فاصله بسیار وجود داشت. با اینکه آنان در پیمان سه گانه (انگلیس و شوروی با ایران) تعهداتی مبنی بر حفظ تمامیت و حقوق ایرانیان را در برابر دولت ایران عهده دار بودند، ولیکن، در نتیجه استقرار و عملیات نیروهای متفقین به خصوص نیروهای انگلیس و آمریکا در اصفهان، مردم این شهر دچار آسیب و زحمت فراوان شدند. مشخص شد نیروهای متفقین به واسطه ضعف حاکمیت ملی ایران و به دلیل حس برتری جویی و بدون توجه به قوانین ایران و عرف جامعه، دست به اقداماتی چون شرب خمر، رانندگی در حالت مستی، کتک زدن افراد، دستبرد به اموال و دارایی مردم زدند که به رواج فساد، هتک حرمت شهروندان و ضرر و زیان مالی و جانی آن‌ها منجر شد و هیچ مرجعی هم از سوی متفقین برای رسیدگی بر رفتار نیروهایشان در برخورد با مردم اصفهان وجود نداشت. مراجع ایرانی، از جمله استانداری و شهرداری اصفهان، تنها می توانستند شکایات و نامه های مردم زیان دیده از رفتار نیروهای متفقین را دریافت کنند و مکاتبات آن‌ها با نمایندگان متفقین به خصوص کنسول انگلیس در این شهر برای جلوگیری و جبران آن‌ها نتیجه ای در بر نداشت و هیچ موقع ضرر و زیان مردم آسیب دیده از اقدامات نیروهای متفقین در اصفهان، جبران و تأمین نگردید.

کتابنامه

کتاب

- آذربایجانی، اکبر (۱۳۹۳). **نبرد قدرت‌های بزرگ و قیام کارگران اصفهان**. چاپ اول، آبادان: نشر پرسش.
- آوانسیان، اردشیر (۱۳۷۶). **خاطرات**. چاپ اول، تهران: انتشارات نگره.
- اخوت، عبدالجواد (۱۳۸۶)، از **طبابت تا تجارت** (خاطرات یک تاجر اصفهانی حاج میرزا عبدالجواد اخوت)، مقدمه و تصحیح مهدی نفیسی، تهران: نشر تاریخ ایران.
- اعظام قدسی، حسن (۱۳۷۹)، **خاطرات من (یا تاریخ صد ساله)**، جلد دوم، تهران: نشر کارنگ.
- اسکندری، ایرج (۱۳۶۸). **خاطرات سیاسی**، به کوشش علی دهباشی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی.
- اشراقی، فیروز (۱۳۷۸)، **اصفهان از دید سیاحان خارجی**، اصفهان: نشر آتروپات.
- انصاری، هرمز (۱۳۷۹)، **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی اصفهان**، اصفهان: انتشارات نقش جهان.
- باقری، عزت اله (۱۳۸۱). **از وانان تا وین** (پژوهشی در خاطرات عزت‌اله باقری و نگاهی دیگر به تفکر چپ در گفتگویی با کامبیز لاجینی). جلد اول، تهران: انتشارات حنا.
- بقیعی، غلامحسین (۱۳۷۲)، **انگیزه (خاطرات غلامحسین بقیعی)**، تهران: رسا.
- خامه‌ای، انور (۱۳۷۸)، **سالهای پراشوب، بخش اول (ستون پنجم آلمان در ایران)**، تهران: نشر و پژوهش فرزانه فر.
- جامی، - (۱۳۸۱)، **گذشته چراغ راه آینده** (پژوهش گروهی جامی)، چاپ سوم، تهران: نیلوفر.
- چرچیل، وینستون (۱۳۸۹)، **خاطرات چرچیل از جنگ جهانی دوم**، ترجمه ذبیح‌ا... منصور، جلد دوم، تهران: انتشارات نگارستان کتاب.
- دانشنامه ایرانیکا، - (۱۳۸۴). **تاریخ روابط ایران و آلمان** (مصور). زیر نظر احسان یار شاطر، ترجمه و ویرایش پیمان متین، چاپ اول، تهران: انتشارات امیر کبیر.

دهقان‌نژاد، مرتضی و الهام لطفی (۱۳۹۳)، **جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در جنگ جهانی دوم**، اصفهان: نشر نگار.

ذوقی، ایرج (۱۳۶۸). **ایران و قدرتهای بزرگ در جنگ جهانی دوم**. تهران: پاژنگ.
رجایی، عبدالمهدی (۱۳۸۶). **اصفهان از انقلاب مشروطه تا جنگ جهانی اول**. چاپ اول، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.

شیخی، الیاس (۱۳۸۳)، **اصفهان؛ قلب سیاسی ایران معاصر**، اصفهان: انتشارات دادیار.
صدری، بهنام؛ علی اکبری بایگی، علی اکبر؛ مرادی دهقی، شهریار و شیخیان، محمد (۱۳۹۱).
اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم (سانسور، مطبوعات، بازداشت شدگان، جابجائی نیروها). جلد هفتم، چاپ اول، تهران: خانه کتاب ایران وابسته به مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.

عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۲)، **بحران دموکراسی در ایران ۱۳۲۰-۱۳۳۲**، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، تهران: نشر البرز.

فردوست، حسین (۱۳۷۸)، **ظهور و سقوط سلطنت پهلوی**، چاپ بیست و پنجم، جلد اول، تهران: انتشارات اطلاعات.

کاروان پور، محمد علی (۱۳۸۱)، **خاطرات**، کتاب یکم، چاپ اول، آبادان: انتشارات پرسش.
کریمی، حجت اله؛ حکیمی خرم، مجید؛ زیویار، فرهاد؛ فرهمند، حمید رضا؛ قیاسیان، سید بابک و سعید حساری (۱۳۸۹). **اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم؛ سانسور و مداخله در امور پولی و مالیاتی**. جلد دوم، تهران: نشر خانه ایران وابسته به مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.

کریمی، حجت اله؛ محمدی، ایرج و صالحی مرام، محمد حسین (۱۳۹۰). **اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم؛ بازداشت و تبعید**. جلد پنجم، تهران: نشر خانه ایران وابسته به مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری

نجمی، ناصر (۱۳۷۰)، **خاطرات سیاسی (حوادث تاریخی ایران از شهریور ۲۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲)**، تهران: انتشارات کلینی.

مهدی‌نیا، جعفر (۱۳۷۱). **زندگی سیاسی محمد علی فروغی** (نخست وزیران ۵)، تهران: انتشارات پانوس.

مهدی‌نیا، جعفر (۱۳۷۳). **زندگی سیاسی عبدالحسین هژیر**. چاپ اول، تهران: پانوس.
همامی، علی (۱۳۹۳). **خاطرات** (تصاویری از اصفهان یکصد سال پیش)، تصحیح عبدالمهدی رجائی، قم: نشر مجمع ذخایر اسلامی.

همایی شیرازی، جلال‌الدین (۱۳۹۵). **تاریخ اصفهان** (حوادث و وقایع و حکام و سلاطین اصفهان)، به کوشش ماهدخت بانو همایی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

هولتوس، شولسته (۱۳۶۶). **سپیده‌دم در ایران** (خاطرات شولسته هولتوس جاسوس آلمان در ایران در جنگ دوم جهانی). ترجمه مهرداد اهری، چاپ اول، تهران: نشر نو.

مقالات

پوربختیار، غفار و حاتم موسایی (۱۳۹۳)، «بررسی علل و انگیزه‌ی قیام‌های ابوالقاسم‌خان بختیاری بعد از سال ۱۳۲۰ ش»، **پژوهشنامه تاریخ**، شماره ۳۵.
خسروپناه، محمد حسین (۱۳۸۴). «سرگذشت گریز ناپذیر اتحادیه‌های مستقل کارگری اصفهان (۱۳۲۱-۱۳۲۲)». **مجله گفتگو**، (۴۳)، ۹۶-۱۳۱.

زمانی پور، بابک (۱۳۹۴)، «سوانح هوایی در ایران، ایام جنگ دوم جهانی (سانحه سقوط هواپیمای نظامی اتحاد جماهیر شوروی در کوهستان جهان بین چهارم‌حال و بختیاری)»، **مطالعات تاریخی**: شماره ۴۷ و ۴۸.

قاسمیان، پروانه (۱۳۹۴)، «پیامدهای اجتماعی جنگ جهانی دوم در کرمانشاه (سال‌های ۱۳۲۶-۱۳۲۰)»، **نشریه تاریخ روابط خارجی**، شماره ۶۲.

کتابی، احمد (۱۳۷۷)، «نابسامانیهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اصفهان در سالهای ۱۳۲۰ - ۲۴»، **دانشکده ادبیات و علوم انسانی** (دانشگاه اصفهان)، شماره ۱۵.

شهیدی، ابوالقاسم (۱۳۵۲). «چگونه استاندار اصفهان لال شد». **مجله خاطرات وحید**، (۱۸)،

شهیدی، ابوالقاسم (۱۳۵۲). «خاطره ای از دخالت های ناروایی بیگانگان». **مجله خاطرات وحید** (۱۹)، ۴۱-۴۶.

روزنامه

روزنامه **نقش جهان**، (۱۲ تیر ۱۴۲۲، شماره ۶)، (۲۹ تیرماه ۱۳۲۲، شماره ۱۱)، (۱۲ مرداد ۱۳۲۲، شماره ۱۵)، (۹ شهریور ۱۳۲۲، شماره ۲۳)، (۱۳ شهریور ۱۳۲۲، شماره ۲۴)، (۵ دی ماه ۱۳۲۲، شماره ۵۴)، (۶ خرداد ۱۳۲۳، شماره ۹۶)، (۲۴ خرداد ۱۳۲۴، شماره ۲۲۳)، (۱ مرداد ۱۳۲۴، شماره ۲۵۲).
روزنامه **اخگر**، (۱۸۱۲، ۳۰ آذر).

اسناد(ساکما)

۱۸۶۲-۲۹۰

۲۹۳-۳۵۷۲ ۹۷-۲۹۳-۳۷۲ ۲۹۳-۳۱۵ ۲۹۳-۳۵۵ ۲۹۳-۳۶۸ ۲۹۳-۳۷۴-۳۳۱۸

۲۹۳

۲۹۳-۲۰۰۷ ۲۹۳-۲۵۳

۲۹۱-۳۷۲۴ ۲۹۱-۹۰۷ ۲۹۱-۳۰۷۱ ۲۹۱-۳۱۶۶ ۲۹۱-۱۳۳۱ ۲۹۱-۳۰۷۱ -۱۶۲۵

۲۹۱۲۹۱-۲۹۷

۲۹۱-۳۴۵۲۹۱-۷۷۳ ۲۹۱-۲۹۳۲ ۲۹۱-۲۸۲۸

۳۱۰-۳۹۳۵۰

منابع انگلیسی

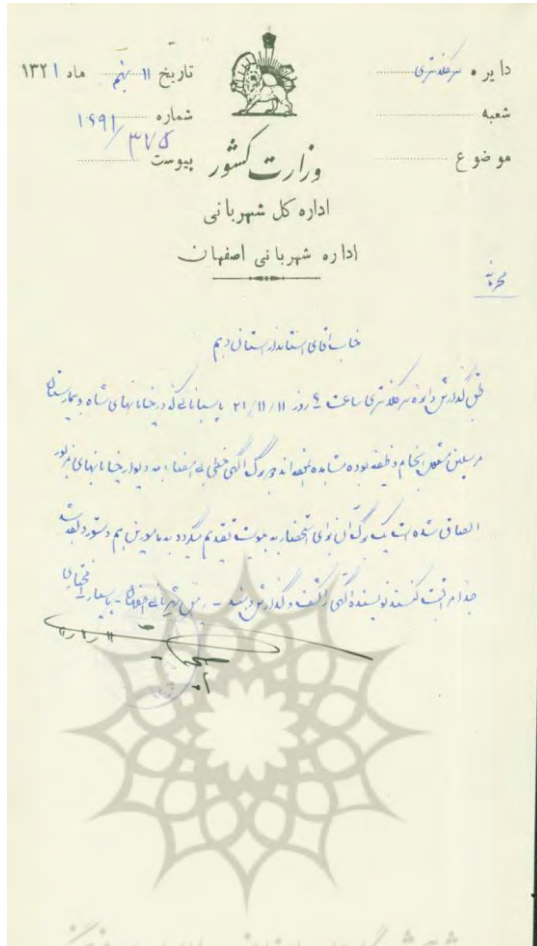
Hann, Keith. (2013), "A Rush and a Push and the Land is ours": Explaining the August 1941 invasion of Iran.

Motter, Vail T.H.)2000(The Persian corridor and Aid to Russia: CENTRAL STATES ARMY, WASHINGTON, D.C.

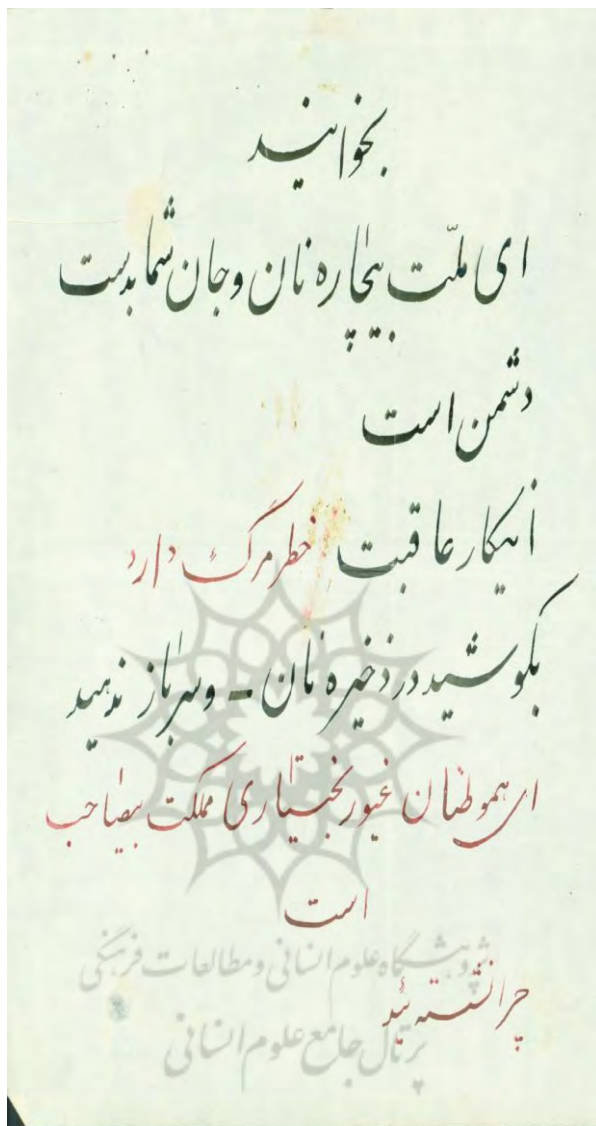
Curtis, GlennE' Eric Hooglund. (2008), Iran a country study,Fifth Edition: Library of Congress Catalog-in- publication Data.

ضمائم

سند شماره ۱(ساکما،۳۷۲-۲۹۳؛ ضمیمه صفحه ۵)




پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



سند شماره ۲ (ساکما، ۳۵۷۵-۳۹۳؛ ضمیمه صفحه ۹)

۱- ل




وزارت کشور
اداره کل شهر بانی

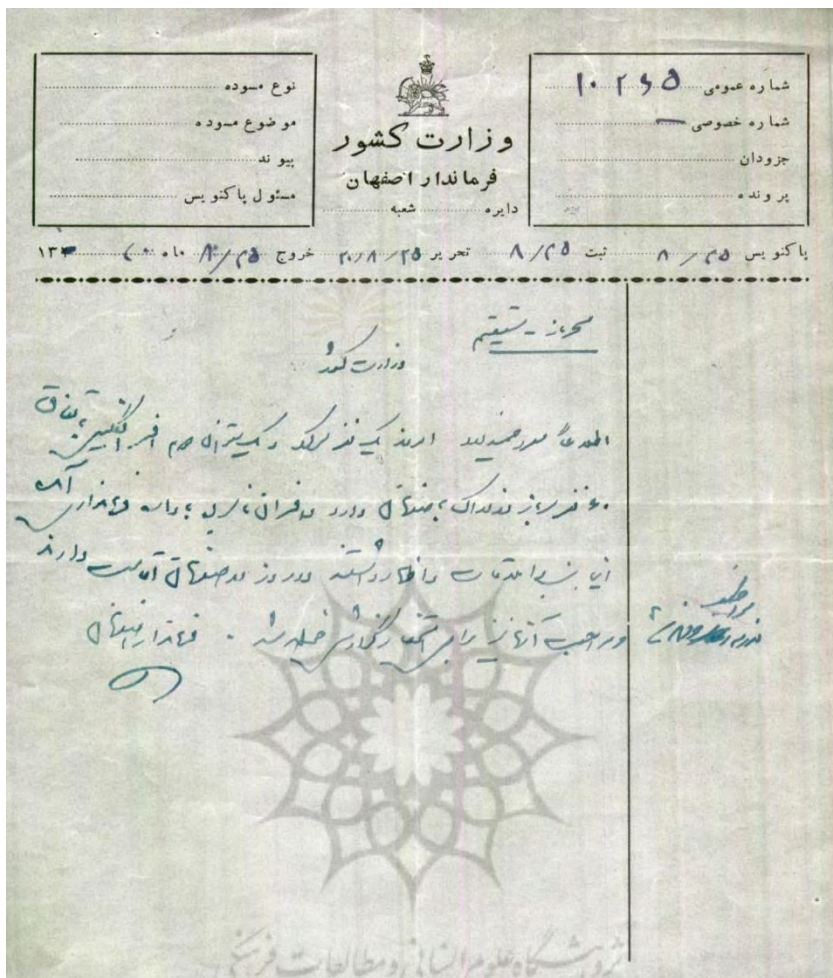
اطلاعات اداره
 دائره
 تاریخ
 شماره ۵۷۴۵۵
 ۲۸۱
 موضوع (فوری محرمانه مستقیم)

وزارت کشور

طبق گزارش شهرداری اصفهان ساعت ۴ روز ۱۰ ماه جاری
 چهار اتومبیل سواری حامل ۱۶ نفر ۱۲ اتومبیل نیروبر و حاصل
 ۴۴ اتن سرباز و ۱۲ اتومبیل باری اثاثیه که در هر اتومبیلی
 دو نفر سرنشین داشته است و ۷ اتانک متعلق به نیروی انگلیس
 از راه قم با صفهان وارد در محل فرودگاه هواپیما سمت جنوب
 شهر توقف نموده اند.
 رئیس اداره کل شهر بانی - سرباس - راد سر


 شریعتی
 پرتال جامع علوم انسانی
 ۹۱۹
 ۲۰/۱/۰۵

سند شماره ۳ (ساکما، ۲۸۲۸-۲۹۱: ضمیمه صفحه ۹)



سند شماره ۴ (ساکما، ۳۷۲۴؛ ضمیمه صفحه ۱۰)

پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ ۲۲ ماه ۱۳۲۴
شماره ۲۹۰
بیوست ۲۴۴

تایره
شعبه
موضوع

وزارت کشور
اداره شهربانی کل کشور
(شهربانی اصفهان)

استاندار اصفهان
جناب آقای دکتر محمدتقی فدوی
مافقیان وارد شده در کتوگدی سوروی توقف بجهت اند
از طرف رئیس شهربانی اصفهان - اصفهان

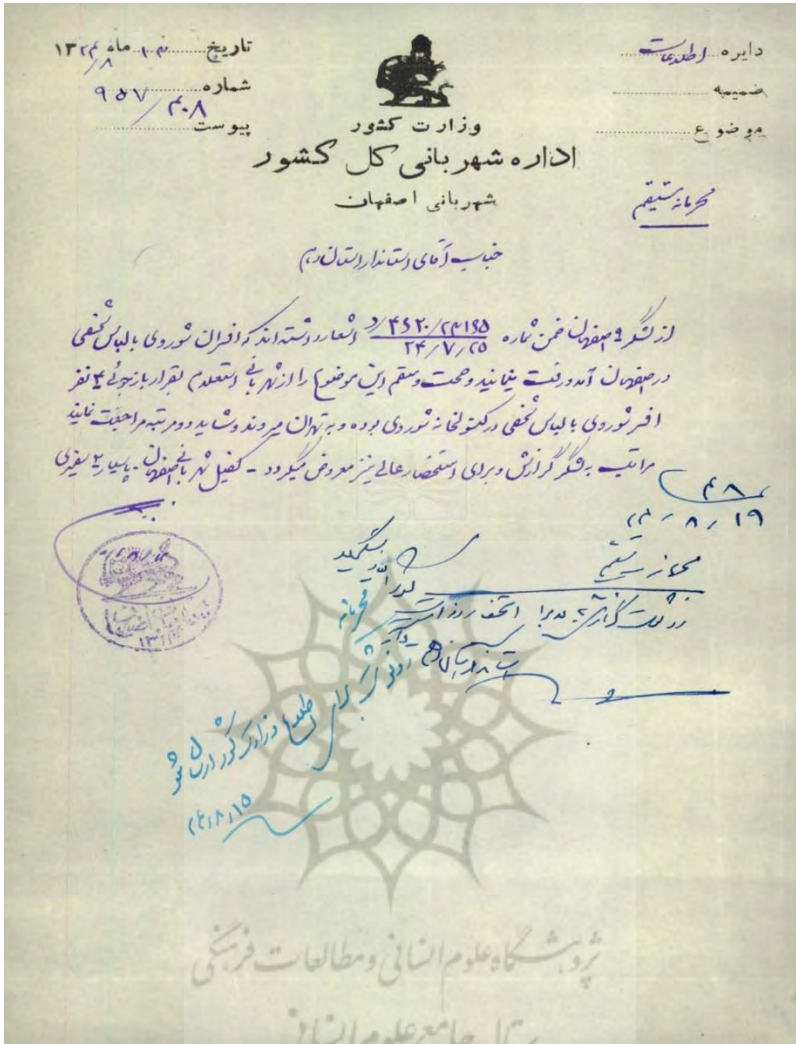
۱۸
۱۲/۲/۲۵

۱۸
۲۸/۲/۲۸

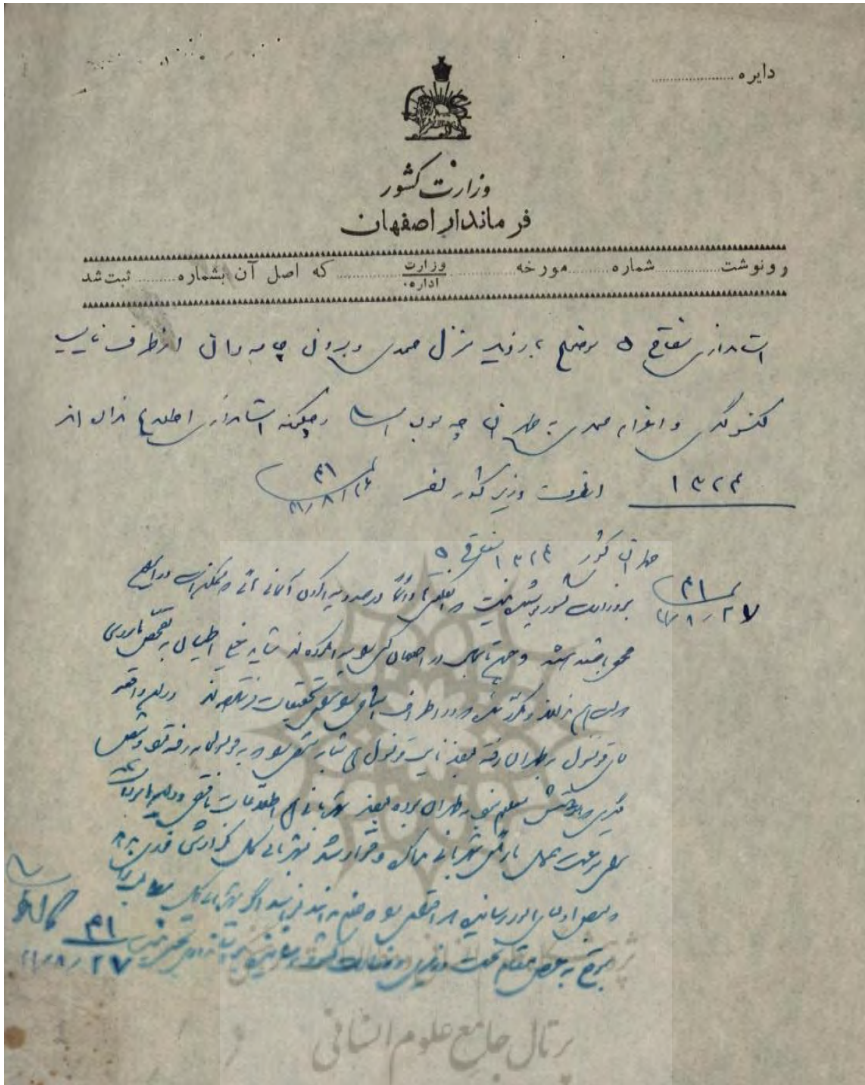
رئیس اداره شهربانی اصفهان
۱۸
۲۸/۲/۲۸

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

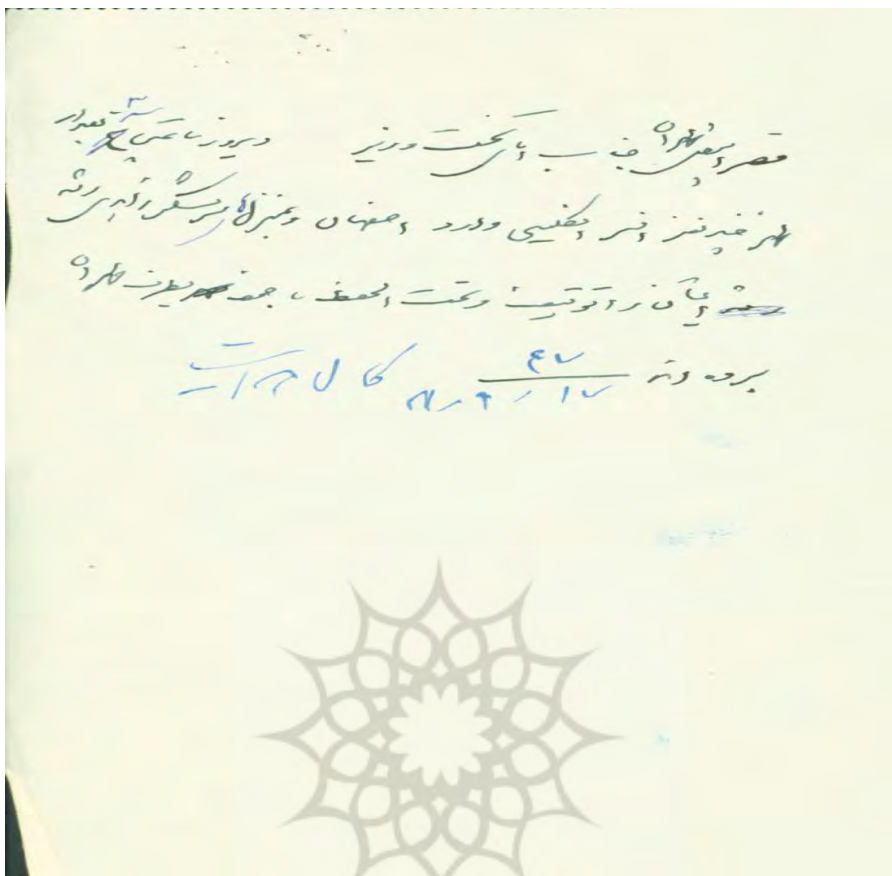
سند شماره ۵ (ساکما، ۳۷۲۴-۲۹۱؛ ضمیمه صفحه ۱۰)



سند شماره ۶ (ساکما، ۳۵۵-۲۹۳؛ ضمیمه صفحه ۱۱)



سند شماره ۷ (ساکما، ۳۶۸-۲۹۳؛ ضمیمه صفحه ۱۳)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سند شماره ۸ (ساکما، ۲۹۷-۲۹۱: ضمیمه صفحه ۱۳)

نوع مسوده

موضوع مسوده

بیوند

مسئول یا کنویس



شماره عمومی **۲۸۹**

شماره خصوصی

جزوه دان

پرونده

با کنویس ثبت تاریخ خروج **۹/۹/۱۳۷۹** ماه **۶/۹** ۱۳۷۹

مستوفی

~~مستوفی~~

محرم - کرد - ؛ پندتین دلم دور دندون تفرنگام دانه

سند با رند اطمیع عومینیا رندگد از طرف دندون

خدتنی افر و غیره راجب و دوگامه ند ایم کنر سند

ب ک ز ا ب ا ب ع ب ه ا د ر ب ا ا ب د ا ر ز ی ا

ر ت ب ی و ل - ر ن گ ا ج م د - ر ن گ م ب ب ب ر - ر ر و ب ب ب ب ر

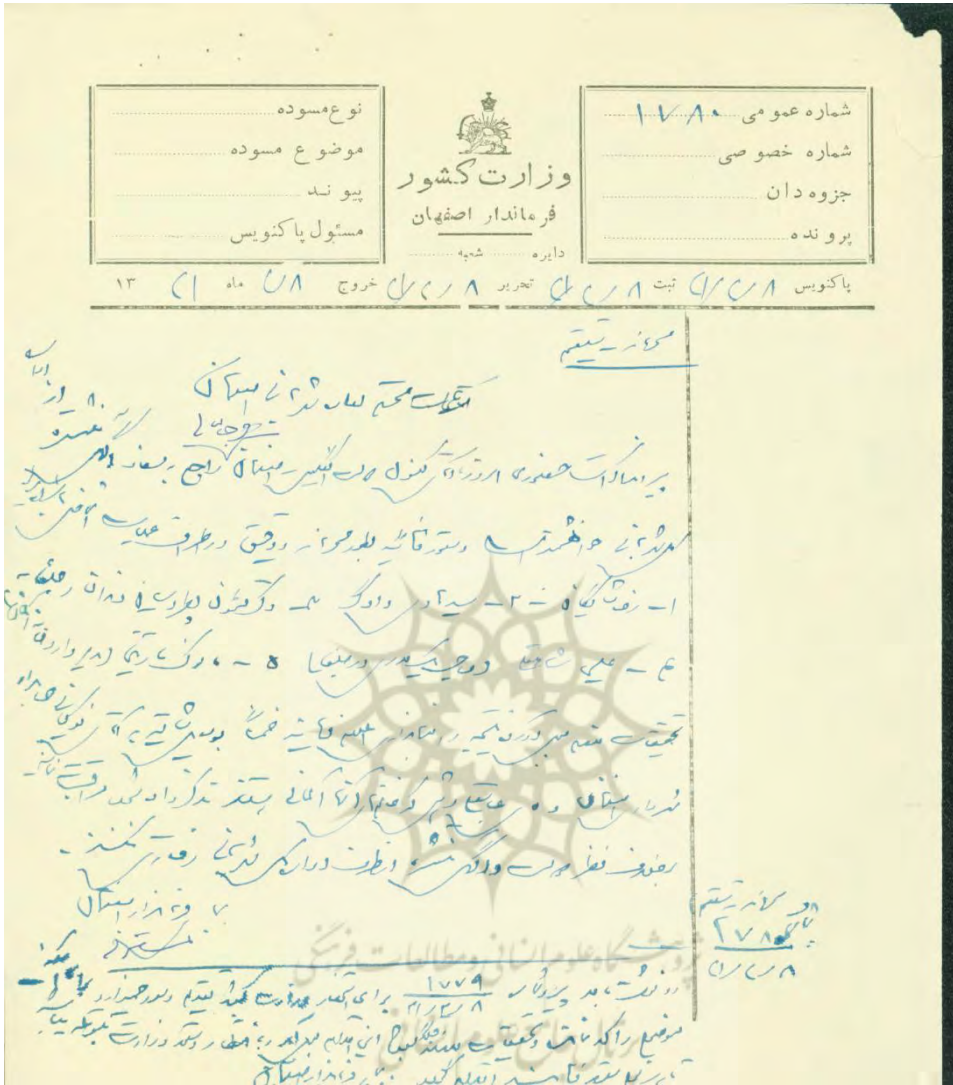
ر ن گ ب ب ط س - ر ن گ ب ز ن ب ر - ر و ا ن ب ا ب ر - و ع ع ب ب ر ب ط

ن ب ی ر - ب و ع - ب ع ج ب ب ر - ا گ ر ب ت م ا ک ا ب

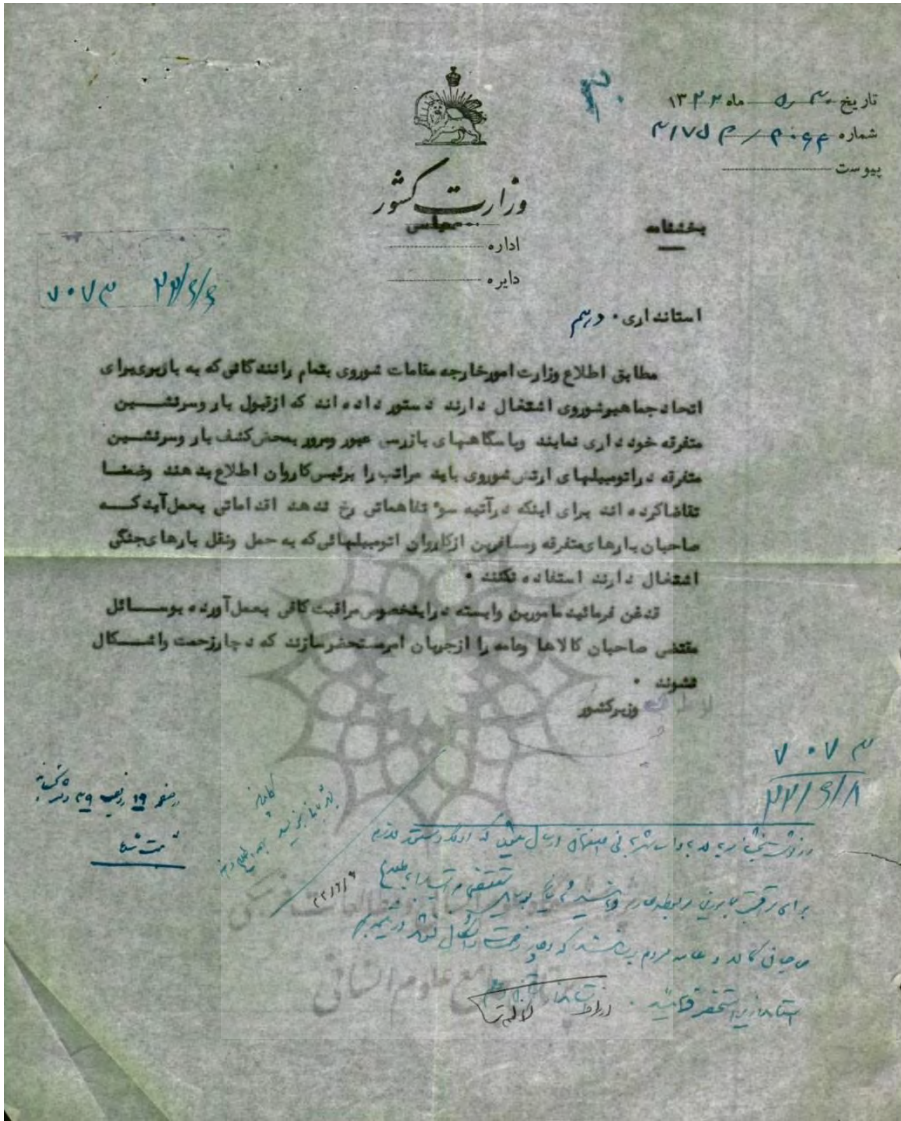
۲۸۹ / ۱۱ / ۶ / ۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تال جامع علوم انسانی

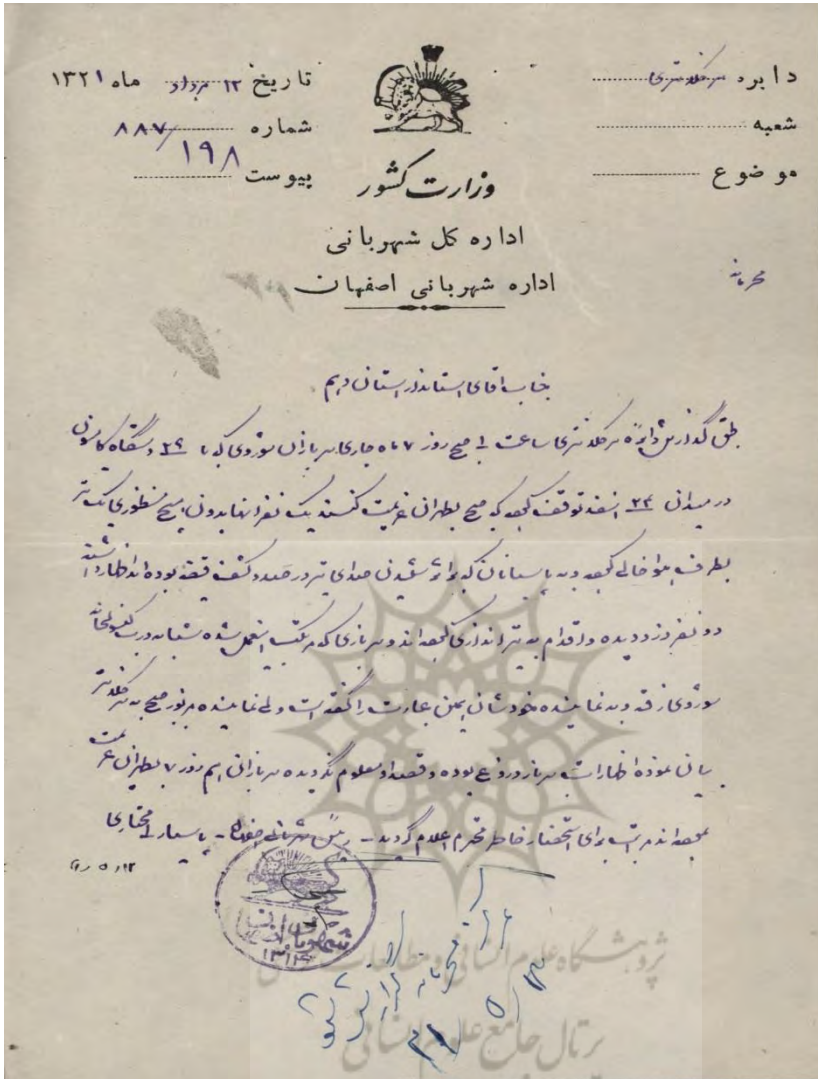
سند ۹ (ساکما ۳۷۴-۲۹۳: ضمیمه صفحه ۱۴)



سند شماره ۱۰ (ساکما، ۳۱۵-۲۹۳؛ ضمیمه صفحه ۲۰)



سند شماره ۱۱ (ساکما، ۹۰۷-۲۹۱؛ ضمیمه صفحه ۲۱)




سند شماره ۱۲ (ساکما، ۳۰۷۱-۳۹۱؛ ضمیمه صفحه ۲۲)

۱۴ / ۲ / ۲۳
 جناب آقای دکتر محمد علی بیگلری
 روز گذشته باز هم امریکه
 چهارشنبه دفعه اولی در نشست روز نزل بر سر بندت در نزل
 جناب را زنده خوبین، یک زنی رکعت در نزل (بهم) چون
 زبان را زنده بودیم فطرت بر سر نزل بر سر نزل
 روز چهاردهم سه مرتبه در نزل آمدند چون نزل بود
 در نزل هم نزلت ما نیکه قضایا و بعضی مسائل
 مسخرات با نیکه است مربوط مداره و نیکه ریح
 بجز امریکه تا رایت نیکه و علی نیکه در نزل
 نیکه نیکه بجز نیکه است در نیکه نیکه نیکه
 در نیکه نیکه نیکه نیکه نیکه نیکه نیکه نیکه

روز اولی در نزل
 روز دوم در نزل
 روز سوم در نزل
 روز چهارم در نزل
 روز پنجم در نزل
 روز ششم در نزل
 روز هفتم در نزل
 روز هشتم در نزل
 روز نهم در نزل
 روز دهم در نزل
 روز یازدهم در نزل
 روز بیستم در نزل

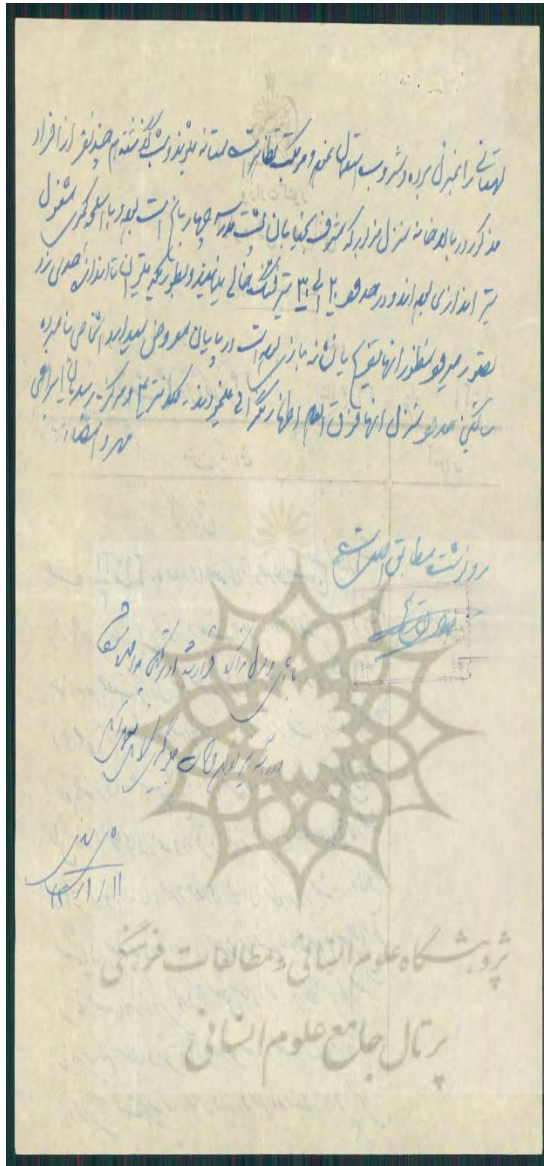
روز اولی در نزل
 روز دوم در نزل
 روز سوم در نزل
 روز چهارم در نزل
 روز پنجم در نزل
 روز ششم در نزل
 روز هفتم در نزل
 روز هشتم در نزل
 روز نهم در نزل
 روز دهم در نزل
 روز یازدهم در نزل
 روز بیستم در نزل

سند شماره ۱۳ (ساکما، ۳۱۶۶؛ ضمیمه صفحه ۲۲)


 وزارت معارف
 اداره کل شهرستانی
 شهرتانی اصفهان

شماره ۱۱۱ - دایره شعبه
 موضوع: **گزارش کارآموزان** تاریخ: ۲۹ بهمن ۱۳۴۱

من کتادش	آموزش
گزارش عتسه ۱۱۱۱۱۱ ماه جاری معارف از طرف معارف اصفهان گزارش کارآموزان در خصوص وضعیت معارف در اصفهان و اقدامات صورت گرفته در این زمینه در روزهای ۲۹ بهمن و ۳۰ بهمن ۱۳۴۱ در منزل کارآموزان در اصفهان انجام شده است. در این جلسه به بررسی وضعیت معارف در اصفهان و اقدامات صورت گرفته در این زمینه پرداخته شد. در این جلسه به بررسی وضعیت معارف در اصفهان و اقدامات صورت گرفته در این زمینه پرداخته شد. در این جلسه به بررسی وضعیت معارف در اصفهان و اقدامات صورت گرفته در این زمینه پرداخته شد.	



سند شماره ۱۴ (ساکما، ۱۳۳۱-۲۹۱؛ ضمیمه صفحه ۲۳)

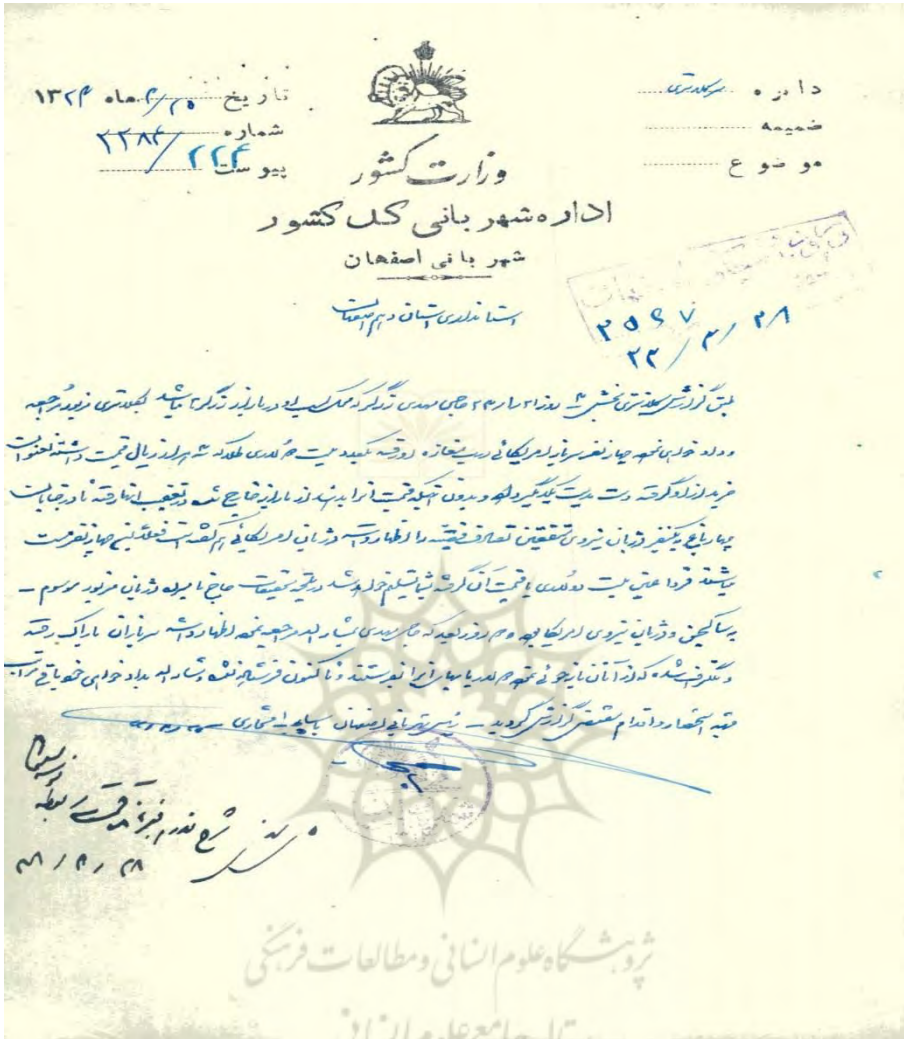
۲۶ / ۱۱ / ۳۱

خلاصه رویدادها

تقریباً هر روز در روز ۲۰ روز ۲۴ / ۱۱ / ۳۱ در رتق عبود از خیابان شاه علی آراه
 هر دو در پیش بر لیدی در سرین آن هم نو انجمنی بوجود آمده تحت نامی را
 نگارنده و دو نفر ازین آن پهلوی و بطرف سرین با یکدیگر بعد از وقت نماز
 وارد مسجد رسیده و وقت به کعبه می‌آمدند و کعبه را در نزدت آن
 بنده گرفته بر سر کعبه می‌زدند و کعبه را در نزدت آن بنده می‌زدند
 خودی نظمی کعبه و در نزدت آن کعبه می‌زدند و در نزدت آن کعبه می‌زدند
 و بعد از آن کعبه می‌زدند و در نزدت آن کعبه می‌زدند و در نزدت آن کعبه می‌زدند
 و به منزه میوه خودی کعبه می‌زدند و در نزدت آن کعبه می‌زدند و در نزدت آن کعبه می‌زدند
 از آنجا سر آن را حیف و تنگ می‌زدند و در نزدت آن کعبه می‌زدند و در نزدت آن کعبه می‌زدند
 حیف و تنگ می‌زدند و در نزدت آن کعبه می‌زدند و در نزدت آن کعبه می‌زدند
 خودی کعبه کعبه را در نزدت آن کعبه می‌زدند و در نزدت آن کعبه می‌زدند
 و در نزدت آن کعبه می‌زدند و در نزدت آن کعبه می‌زدند و در نزدت آن کعبه می‌زدند
 عیب و کعبه کعبه را در نزدت آن کعبه می‌زدند و در نزدت آن کعبه می‌زدند
 روزت و در نزدت آن کعبه می‌زدند و در نزدت آن کعبه می‌زدند و در نزدت آن کعبه می‌زدند

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۱۵ (ساکما، ۲۹۱-۳۰۷۴؛ ضمیمه صفحه ۲۳)



سند شماره ۱۶ (ساکما، ۱۶۲۵-۲۹۱؛ ضمیمه صفحه ۲۴)



وزارت کشور

اداره کل شهربانی

(اداره شهربانی اصفهان)

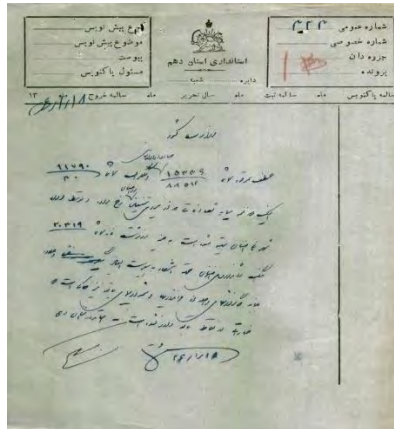
رو نویس گزارش مکتوب شماره ۱۱۳۱۳ مورخه ۱۳۰۴/۱۲/۲۱ شماره ۲۱

حجت ۱۹ روز ۹ ماه جاری همین پیکار است ۱۱ تا ۱۳ عصر باغ گردش در اصفهان
 اکتفای جناب مهربانی در امری در ارتش همکار در آن به نظر است مکتوب و در صحت در
 سعادت شرفی فزونی سردیدر استند اندوخته مغفول تماشای اندوخته در بند ما کورخ در بن
 اریا در دستری میگردند فراموشی در این ۱۱ که گفته را با باقیان مکتوب است و در آنکه گمانی را
 بر سیم در سینه میزبان بر نندم صحت سر با یک عدد در گزارش داد بر طبق احوال و چندین کشور
 اکتفای از این را بر سیم از تو بعد کرده و سامی از آن معلوم شده و در وسایل در رشته در مکتوب
 اکتفای تنظیم از آن زمان را در خواست مکتوب است را اکتفا در موضوعی بعد از در -
 مکتوب را رسیدن ادارای
 اصفهان

روزت مطابق بعد است
 مکتوب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 کتابخانه علوم انسانی

سند شماره ۱۱۷ (ساکما، ۳۴۵۰-۲۹۱؛ ضمیمه صفحه ۲۴)



ردیف	تاریخ درج	موضوع	شرح	تاریخ درج	موضوع
۱	۱۳۰۱/۱۲/۲۹	مجلسه	مجلسه	۱۳۰۱/۱۲/۲۹	مجلسه
۲	۱۳۰۱/۱۲/۳۰	مجلسه	مجلسه	۱۳۰۱/۱۲/۳۰	مجلسه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

Investigating the reasons for the deployment of the Allied forces in Isfahan and their treatment of the people in World War II

Abolghasem Bagheri/ Sayed Ali reza Abtahi

Abstract

Allied forces, including Soviet and British forces, occupied Iran in September 1941. After a while, American forces were added to them. After entering Iran and achieving their goals, these forces were stationed in various areas, especially in some cities, including Isfahan, and began patrolling. The deployment and patrolling of the Allied forces in Isfahan has inevitably led to clashes between them and the people of Isfahan. The purpose of this study is to investigate the reasons for the Allied presence and patrol in Isfahan and their dealings with the people of Isfahan. To investigate this issue, a descriptive-analytical approach has been used with the help of unpublished documents and newspapers related to the deployment of the Allied forces in Isfahan in World War II and also the petitions of the people of Isfahan to city officials to protest the behavior of these forces. The findings of the present study showed that the geographical and communication importance of Isfahan, the presence of German agents and supporters in it and its proximity to the Bakhtiari and Qashqai tribes, forced the Allies to deploy and patrol their forces in this city and surrounding areas. Also, the presence of Allied forces in the city of Isfahan, in addition to breaking the legal and real personality of the officials and people of Isfahan and their superior treatment of the people in this city, also contributed to the spread of phenomena such as insecurity and corruption in the city.

Keywords: Reasons for Deployment of Allied Forces, Isfahan, People, World War II, Soviet Union, USA, Britain.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی